



روشن ماهنامه آموزش و پرورش
 سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
 دفتر انتشارات دانشگاه تهران
 www.roshdmag.ir
 ISSN: 1606-9226

آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای دبیران
 دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم، اردیبهشت ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۹۸
 ۴۸ صفحه، ۳۵۰۰ ریال



◆ کلید تحول کجاست؟
 ◆ معلم نوآور، دانش آموز خلاق
 ◆ شما چه می خواهید؟ خودتان بفرمائید!



به مناسبت ۲۳ اردیبهشت، ولادت حضرت فاطمه زهرا(س)

زنی نزد حضرت فاطمه زهرا(س) آمد و گفت: «مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد. اما چون بیمار است، مرا نزد شما فرستاده تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم.» حضرت فاطمه(س) به پرسش نخست آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا(س)، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را بیان می‌فرمود تا تعداد مسئله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: «بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.» صدیقه کبری(س)، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتی بر او ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» و سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند، و در ازای آن حق‌الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟»

آن زن پاسخ داد: «خیر.»

حضرت فرمود: «من هم کار گزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»

منبع: شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه محمدباقر حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴.



رشد امور رهنمایی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجوین و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم اردیبهشت ۱۳۹۱ شماره پیاپی ۹۸

- کلید تحول کجاست؟ / محمدرضا حشمتی / ۲
- معلم نوآور، دانش آموز خلاق / دکتر نیره شاه‌محمدی / ۳
- شمس و مولانا / محمد شاکر / ۶
- مرگ جعبه‌ها / نمانه ایروانی / ۸
- خاطره خوش روز آخر / پروین داعی‌پور / ۱۰
- چرایی و چگونگی ارزش‌یابی ترکیبی / زهرا شعبانی / ۱۲
- اگر می‌توانستم / علی‌اصغر جعفریان / ۱۵
- تاب‌آوری در تابستان / دکتر احمد مختاریان / ۱۶
- آشنایی با نرم‌افزار مودل / سپیده شهیدی / ۱۸
- امتحان اعتماد نفس‌گیر / ترجمه معصومه خیرآبادی / ۲۰
- فردای آن شب / حسین افصح / ۲۲
- دانش آموز برتر / محمد شاکر، مهدی رضاییان / ۲۴
- کاشت نهال در ماه مهر / فاطمه خرقانیان / ۲۶
- شایستگی‌های معلمی / دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی / ۲۸
- خودشناسی هیجانی / ناهید قنبرزاده علمداری / ۳۰
- دانش‌آموزان توصیف ارزش‌یابی را دوست دارند / فاطمه خرقانیان / ۳۴
- من امیر کبیرم / همایون رجبی‌راد / ۳۶
- موتور یادگیری / علی‌قبری / ۳۸
- شیطننت آینه‌ای / فریده فهیمی‌مجرد / ۴۰
- مشارکت در تربیت / غلامحسین ظفری / ۴۲
- آموزش عملی / سید ژیلانا ذاکر حسینی / ۴۴
- با همراهان / ۴۶
- شما چه می‌خواهید؟ خودتان بفرمایید! / ۴۷

مدیرمسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی‌رضا صادقی‌میاب
منصور ملک‌عباسی، علی‌اصغر جعفریان
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: فریدون حیدری ملک‌میان
طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۸۴۸۰۲۳۳
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پایم‌نگار: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۷۳۳۶۶۵۵
شمارگان: ۲۵۵۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

روی جلد: امیر نساجی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

مقاله‌هایی که برای هرج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند.
نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
کلمات حاروی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد.
مهره‌نامه کوتاه‌های از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی پیوست شود.
مجله در سه قیول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
آرای مستخرج در مقاله ضرورتاً تبیین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

کلید تحول کجاست؟

محمد رضا حشمتی

مایلم پیش از هر سخنی، فرارسیدن دوازدهم اردیبهشت، روز معلم را صمیمانه تبریک بگویم. درباره اهمیت و نقش معلمان در سازندگی و پیشرفت و حل مشکلات اجتماعی بسیار شنیده و می‌شنویم. صاحب‌نظران و کارشناسان آموزش و پرورش همیشه و همه جا برای ارتقای دانش و تکمیل مهارت‌های حرفه‌ای معلمان اولویت ویژه‌ای قائلند.

بی‌تردید، معلمی مانند بسیاری از مشاغل دیگر، حرفه‌ای است که اصول و قوانین مخصوص به خود دارد. اگر این اصول و قوانین همراه با روش‌ها و شیوه‌های مناسب و درخور به علاقه‌مندان این حرفه عرضه گردد، مدارس ما معلمانی شایسته‌تر و لایق‌تر خواهند داشت و فرآورده‌های این لیاقت و شایستگی بیشتر، انسان‌های تحصیل کرده‌ای خواهند بود که با اندیشمندی خاص خویش قادرند بار زندگی پرماجرا و سراسر مخاطره خود را به دوش بکشند و از خطاها و بی‌تفاوتی‌ها نیز دور بمانند.

باری، مدتی است که در فضای آموزش و پرورش مدام از «تحول» صحبت می‌شود، ولی واقعیت مطلب این است که واحد اصلی تحول یعنی مدرسه و معلم در اولویت‌های اولی قرار نمی‌گیرد؛ چون اگر بخواهیم همه جانبه به مسیر تحول بنگریم، برنامه‌ها باید به شکلی باشد که در مدرسه و بین معلمان نیز شاهد تحول باشیم.

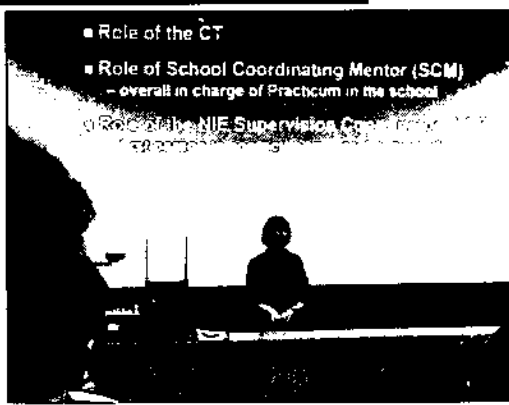
مدرسه یا محیط کار معلمان احتیاج به تغییرات جدی دارد. به نظر می‌رسد برای این تغییر جدی نیاز است که با ادبیات تحول و تغییر آشنا باشیم؛ اما نه کلیاتی که فقط در سخنرانی‌ها و همایش‌ها برای عده خاصی مطرح می‌شود؛ چرا که ما معلمان در فضایی غیر شفاف نمی‌توانیم با این ادبیات ارتباط شناختی، عاطفی و انگیزشی برقرار کنیم.

از تجارب گذشتگان چنین آموخته‌ایم که انجام چنین وظیفه بزرگی تمهیدات بسیار قوی و فوق‌العاده‌ای لازم دارد؛ البته این اقدام باید با صبر و حوصله و برنامه‌ریزی مدبرانه‌ای که از هرگونه شتابزدگی دور باشد صورت پذیرد و در آغاز با آزمایش و تجربه در سطحی کوچک - مانند یک یا دو استان که آمادگی‌های مطلوب‌تری دارند - تحول آغاز گردد.

و اما همکاران محترم! به نظر شما برای این که ما معلمان تحول را خوب درک کنیم، نیازمند آگاهی از چه موضوعاتی هستیم؟ مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در نظر دارد برای فهم بهتر تحول در آموزش و پرورش، پس از گردآوری سؤالات، پیشنهادها و انتقادات شما، سلسله مطالبی را برای آشنایی بیشتر با مفاهیم و مسائل اجرایی تحول در آموزش و پرورش آماده سازد. با طرح سؤالات و ابهامات خود ما را در غنی‌سازی هر چه بیشتر این مطالب کاربردی یاری کنید.

دانش آموز خلاق معالج اولیا

دکتر نیره شاه محمدی



سیاست‌های آموزشی سنگاپور بر رشد منابع انسانی متمرکز شده است؛ زیرا متولیان نظام آموزشی این کشور بر این باورند که یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در موفقیت دانش‌آموزان و نظام آموزش و پرورش، داشتن معلمانی مسئول، توانمند، با انگیزه و خلاق است. در این کشور کیفیت کار معلم از اهمیت فراوانی برخوردار است و فقط تعداد محدودی از افراد متقاضی شغل معلمی، در صورت دارا بودن شرایط لازم، موفق به دریافت مجوز تدریس می‌شوند.

از آن جایی که نظام آموزشی سنگاپور متمرکز است، این امر به اجرای سیاست‌های آموزشی آن کمک فراوانی می‌کند. در این کشور همواره برای جذب افراد با توانمندی بالا جهت آموزش و توانمندسازی آن‌ها برای شغل معلمی تلاش شده است. از این رو وزارت آموزش و پرورش با حمایت‌های همه جانبه (اعم از رفاهی، اجتماعی، حرفه‌ای و...) از معلمان، با مشکل داشتن مدیران و معلمان ناکارآمد (که گریبان‌گیر بسیاری از نظام‌های آموزشی است) مواجه نیست.

تحول در نظام آموزشی
در دهه ۱۹۹۰ میلادی نظام آموزشی سنگاپور یک دگردیسی را تجربه کرد که بر مبنای آن، مسئولان آموزش و پرورش در صدد برآمدند تا اصلاحات زیادی را در بخش‌های گوناگون به خصوص آموزش عمومی و تربیت معلم ایجاد کنند. در این راستا و با سرمایه‌گذاری بر آموزش و پرورش، خصوصاً آموزش معلمان، این کشور توانست خود را به یکی از کشورهای پیشرفته تبدیل نموده و رشد اقتصادی بسیار بالایی را در یک مدت زمان کوتاه شاهد باشد. جهت تحقق این امر، مسئولان نظام آموزشی با کمک متخصصان تعلیم و تربیت، چارچوب‌های نظام آموزشی و نیز سرفصل‌های برنامه‌دستی را به بهترین نحو ممکن و بر پایه مطالعات تطبیقی تهیه و بازنویسی کردند و کوشیدند با تولید محتوای آموزشی مناسب، آموزش‌های کیفی و کاربردی که به معلمان ارائه می‌دهند و پشتیبانی‌هایی که از آنان، دانش‌آموزان و کادر آموزشی به عمل می‌آورند، به ارتقا و

دوره‌های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت به صورت کارگاهی و مشتمل بر یک سلسله کارگاه‌های آموزشی هستند که در ماه‌های ژوئن (تیر ماه) و دسامبر (آذر ماه) هر سال (زمان تعطیلات مدارس) برگزار می‌شود



بهبود کیفیت آموزش‌ها در دوره‌های مختلف تحصیلی کمک کنند

یکی از این اصلاحات آموزشی مهم، بازنویسی و تغییر در برنامه آموزش ضمن خدمت معلمان بود. زیرا در این کشور آموزش‌های ضمن خدمت از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است و فعالیت‌های لازم در این خصوص برای ارتقای دانش معلمان انجام می‌شود. یکی از عمده‌ترین این فعالیت‌ها تشکیل کمیته اصلاحات آموزش و پرورش است. این کمیته گزارشی را در سال ۲۰۰۹ انتشار داد که در آن به آموزش معلمان و ضرورت و اهمیت آن در قرن بیست و یکم اشاره کرده است. در گزارش مذکور، خطوط اصلی تغییر و تحول در نظام آموزشی را کیفیت آموزش‌های ضمن خدمت دانسته و به امر چگونگی سازمان‌دهی و بازطراحی آموزش‌های ضمن خدمت معلمان پرداخته است تا از طریق آن دانش، مهارت و نگرش مورد نیاز معلمان تقویت و ارتقا یابد و به تبع آن زمینه‌های دستیابی به اهداف آموزشی یک نظام نوآورانه فراهم شود.

در کشور سنگاپور رشد حرفه‌ای معلمان یک فرایند مداوم محسوب می‌شود و از طریق آموزش‌هایی که به آنان ارائه می‌کنند، می‌کوشند تا آنان را با روش‌های جدید آشنا کرده و متعاقب آن، به به‌روزرسانی محتوای کتاب‌های درسی کمک کنند.

ساختار آموزش‌های ضمن خدمت

در سنگاپور معلمان هر سال باید به مدت ۱۰۰ ساعت در دوره‌های رشد و توسعه حرفه‌ای شرکت کنند. این دوره‌ها به صورت‌های زیر ارائه می‌شوند:

○ دوره‌های آموزشی کوتاه مدتی که توسط مؤسسه ملی آموزش و پرورش ارائه می‌شوند. این دوره‌ها بر موضوعاتی چون: روش‌شناسی تدریس، اصول و مبانی آموزش و پرورش، روان‌شناسی پرورشی، شیوه‌های تفکر و حل مسئله استوار بوده و افراد پس از گذراندن آن‌ها و دریافت گواهی‌نامه پایانی به کلاس بالاتر ارتقا می‌یابند.

از آن‌جایی که یکی از اهداف روشن رشد و نوآوری در سنگاپور، ایجاد مدارس متفکر و پرورش ملتی یادگیرنده است؛ این کشور با عنایت به این مهم که آموزش، رشد و توسعه تفکر و ایجاد مهارت‌های جدید برای تشویق و ترغیب معلمان و دانش‌آموزان به نوآوری امری ضروری است، چارچوب سیاست‌های آموزشی خود را تغییر داده است. هم‌چنین مسئولان نظام آموزشی معتقدند که یادگیرندگان مادام‌العمر و نوآور کسانی هستند که می‌توانند به رقابت‌های جهانی آینده پاسخ دهند.

طول مدت دوره‌های آموزشی کوتاه و مبتنی بر پرورش قدرت تفکر و حل مسئله بود که در ابتدا مشتمل بر ۲۰ ساعت برنامه درسی برای معلمان با اهداف زیر می‌شد و بعدها میزان آن بر حسب نیاز تغییر و افزایش یافت:

* رشد و توسعه نگرش و یادگیری از طریق پرورش ابعاد تفکر؛

* شیوه‌های استفاده از مهارت‌های تفکر در حوزه محتوایی؛

* تشخیص و استفاده از مهارت‌های تفکر خلاق، انتقادی و عمومی؛

* ارزش‌یابی مهارت‌های ساده و پیچیده یادگیری جهت حرکت به سمت مدارس متفکر.

○ رشد و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان از طریق تجربیات درون و بین مدرسه‌ای که به وسیله کارکنان مدارس هدایت می‌شود. مانند معرفی تجربیات جدید نظیر یادگیری انجام پروژه با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات (این آموزش‌ها از بودجه خاص خود برخوردارند).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات ICT می‌تواند روش آموزش معلمان را نیز تغییر دهد. این امر به طور خاص بر رویکرد دانش‌آموز محور متکی بوده و به رشد و توسعه مهارت‌های مشارکتی در آنان اهمیت می‌دهد. در این راستا در سنگاپور تلاش شده است تا در زمینه تلفیق فناوری اطلاعات و ارتباطات با رویکردهای آموزش و تربیت معلمان قدم‌های اساسی بردارند و از این فناوری در امر آموزش آنان استفاده کنند. هم‌چنین وزارت آموزش و پرورش این کشور برای تسهیل این امر به ساخت وب سایت و طراحی پروژه‌ها و طرح‌های جامع ملی روی آورده است.

از سوی دیگر با آگاهی از اهمیت و ضرورت فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی - یادگیری، آموزش‌های ضمن خدمت مرتبط را برای معلمان برنامه‌ریزی کرده‌اند که میزان ساعت و شکل ارائه آن متفاوت است. بیشتر برنامه‌های آموزش ضمن خدمت معلمان بر روی کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان محتوای آموزشی اصلی متمرکز هستند. این رویکرد بر آموزش ضمن خدمت معلمان و این‌که چگونه از فناوری اطلاعات و ارتباطات در کلاس درس استفاده شود، تأکید می‌کند.

در کشور سنگاپور رشد حرفه‌ای معلمان یک فرایند مداوم محسوب می‌شود و از طریق آموزش‌هایی که به آنان ارائه می‌کنند، می‌کوشند تا آنان را با روش‌های جدید آشنا کرده و متعاقب آن، به به‌روزرسانی محتوای کتاب‌های درسی کمک کنند



موضوعات اصلی که در این دوره‌ها مورد خطاب قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

- ✓ انتخاب ابزار مناسب فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
- ✓ حمایت دانش‌آموزان در استفاده از این ابزار؛
- ✓ استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارتقای فعالیت‌های یادگیری؛
- ✓ ایجاد روش‌های جدید برای تسهیل یادگیری و ارزش‌یابی عملکرد شاگردان.

○ اعزام به دوره‌های بین‌المللی که به صورت فرصت‌های مطالعاتی در اختیار معلمان قرار می‌گیرد تا جنبه‌های مختلف آموزش و پرورش را در کشورهای دیگر مورد بررسی قرار دهند.

○ تأسیس مرکز انتقال تجربیات معلمان سال ۲۰۱۰ جهت تشویق و ترغیب معلمان برای به مشارکت گذاشتن تجربیاتشان.

با عنایت به این که در سنگاپور خانواده‌ها برای تحصیل فرزندانشان و یادگیری علوم و فناوری اهمیت زیادی قائل هستند، وجود جو رقابتی در جامعه آموزشی این کشور و گسترش این روحیه و فرهنگ به رقابت‌های بین‌المللی، سبب شده است تا خانواده‌ها نسبت به برگزاری مسابقات علمی و موفقیت فرزندان خود اهمیت بیشتری قائل شوند. طوری که این امر مسئولیت بیشتری را بر عهده معلمان گذاشته است و آن‌ها می‌بایست برنامه‌ریزی خاصی را جهت آماده‌سازی دانش‌آموزان برای این مسابقات داشته باشند. آن‌ها یا ارائه تکالیف، پروژه‌ها، آزمون‌های محتوایی و عملکردی و نیز فعالیت‌های عملی و آزمایشگاهی به نوعی در ایجاد جو رقابتی در مدارس، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. لذا به اشتراک گذاشتن تجربیاتی که در این زمینه کسب کرده‌اند، به کسب رتبه‌های جهانی توسط این کشور در مسابقات بین‌المللی کمک به‌سزایی کرده است.

شیوه اجرای دوره‌های آموزشی

دوره‌های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت به صورت کارگاهی و مشتمل بر یک سلسله کارگاه‌های آموزشی هستند که در ماه‌های ژوئن (تیز ماه) و دسامبر (آذر ماه) هر سال (زمان تعطیلات مدارس) برگزار می‌شوند.

این کارگاه‌ها بر مبنای برنامه‌های پرورش تفکر در معلمان برنامه‌ریزی شده‌اند. هر کارگاه شامل ۳۰۰ معلم بوده و در هر جلسه موضوعات جامعی درباره تفکر و یادگیری مانند: شناخت و فراشناخت، بازشناسی اجتماعی، موضوعات ارزش‌یابی، درهم تنیدگی مسائل یا موضوعات برنامه درسی، سؤال کردن و یادگیری اکتشافی مطرح می‌شود.

ارتقای شغلی - حرفه‌ای معلمان

یکی از کارهایی که در سنگاپور انجام می‌شود، شناسایی استعدادهای معلمان و پرورش آن‌هاست. تدریس معلمان به

طور سالانه مورد ارزش‌یابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که آیا آن‌ها ظرفیت ادامه در یکی از سه حوزه زیر را دارند:

- کسب رتبه شغلی معلم ارشد و متخصص برنامه درسی و پژوهشی.

- کسب موقعیت شغلی رهبر آموزشی مدرسه؛ با افزایش حقوق خاص خود. معلمانی که استعداد و ظرفیت رهبری مدارس را دارا باشند، پس از شناسایی به تیم‌های مدیریتی میانی انتقال یافته و دوره آموزشی خاص خود را می‌بینند تا بتوانند برای پذیرش شغل جدید آماده شوند.

- کسب موقعیت شغلی معاونت یا مدیریت مدرسه؛ در این راستا توانایی‌ها و قابلیت‌های مدیران میانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا معین شود آیا می‌توانند ابتدا معاون و سپس مدیر شوند. ورود به هر مرحله نیازمند دامنه‌ای از تجربه و گذراندن دوره‌های آموزشی خاص آن است. برنامه‌ریزی و آموزش و تربیت مدیران بر این اساس انجام می‌گیرد که آموزش با کیفیت بالا و عملکرد قوی دانش‌آموزان، نیازمند رهبران آموزشی مؤثر است. در سنگاپور، بیشتر مدارس دو نوبتی هستند. روزهای مدرسه‌ای از دوشنبه تا جمعه است و فعالیت‌های فوق برنامه، قبل یا بعد از ساعت مدرسه و یا در روز شنبه برگزار می‌شود.

منبع

۱. صفری، پرویا (۱۳۸۵). راز موفقیت آموزش و پرورش سنگاپور، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره (۲) ۱۷۸.
2. Gopinathan, S., Ho, W. K., & Tan, J. (1999). Teacher education and teaching in Singapore. *Asia-Pacific Journal of Teacher Education & Development*, 2 (1), 3-14.
3. Jung, Insung (2005), ICT-Pedagogy Integration in Teacher Training: Application Cases Worldwide, Educational Technology and Communications Division of Education, International Christian University, Japan
4. Seokhoon, Seng, Teaching Thinking Skills for Pre-service and In-service Teachers in Singapore, International Conference in Critical (1998), Thinking and Educational Reform. Singapore
5. Stewart, Viven, "How Singapore Developed a High Quality Teacher Work Force ?" <http://asiasociety.org/education/learning-world/how-singapore-developed-high-quality-teacher-workforce>

مسئولان نظام آموزشی معتقدند که یادگیرندگان مادام‌العمر و نوآور کسانی هستند که می‌توانند به رقابت‌های جهانی آینده پاسخ دهند

دیگرانت عشق می خوانند و من سلطان عشق

ای بی بالای تو هم این وان بی من مرو



محمد شاکر

معلمان علاقه مند همواره از دیده ها، شنیده ها، خوانده ها، چشیده ها، بوییده ها و حتی از ادراک سایر حواس خود الهام می گیرند و برای به ثمر نشاندن حرفه مندی های خود در کلاس درس، طرح نو در می اندازند. به عبارت دیگر، معلمان خلاق در کنار لحظه به لحظه زندگی عادی و معمولی خود با شیوه ها و شگردها و با فرازها و فرودهای شغلی و حرفه ای خویش نیز زندگی می کنند. زندگی شمس و مولانا در دنیای روابط معلم و دانش آموز نمونه ای است ارزشمند و قابل تأمل برای فهم این لحظات شیرین و سازنده.

خلق یک موقعیت تازه در روابط انسانی عالی ترین نوع خلاقیت است؛ این گونه که در قونیه اتفاق افتاد. شنبه ۲۶ جمادی الثانی سال ۶۴۲ هجری است، روز ورود شمس به قونیه؛ اولین دیدار و اولین جلسه درس استاد برای شاگرد یگانه اش.

شاگرد تو می باشم، گر کودن و کژ پوزم ای چشمه دانایی شاگرد نمی خواهی؟!

موضوع تدریس، عشق است و جلال‌الدین محمد در محضر درس شمس - که عشق را به روشی منحصر به فرد و شگفت‌انگیز به او القا می‌کند - حاضر شده است.

این نیمه شبان کیست چو مهتاب رسیده
پیغمبر عشق است وز محراب رسیده
این کیست چنین و لوله در شهر فکنده
در خرمن درویش چو سیلاب رسیده
یک دسته کلید است به زیر بغل عشق
از بهر گشاییدن ابواب رسیده

و جلال‌الدین به سرعت عشق را فرامی‌گیرد.
شمس تبریزی به روحم چنگ زد
زین سبب در عشق گشتم ارغنون

شمس می‌گوید: من «شیخ» را می‌گیرم و مؤاخذه می‌کنم نه «مرید» را، آن‌گه نه هر شیخ را، شیخ کامل را! جلال‌الدین زمینه‌های لازم را دارد، اما «شمس» می‌باید تا او نگاهی نو پیدا کند و مولوی بشود.

گرچه من خود ز عدم، خوش دل و خندان زادم
عشق آموخت مرا نوع دگر خندیدن

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

مولوی پس از ملاقات با شمس هر چه دارد از دست می‌دهد و پس از شمس با طلوعی دوباره، خود شمس دیگری می‌شود.

من که حیران ز ملاقات توام
چون خیالی ز خیالات توام
نقش و اندیشه من از دم توست
گویی الفاظ و عبارات توام

شمس در جان مولانا چیزی را می‌بیند که او خود ندیده است:

ای آن‌که مر مرا تو به از جان و دیده‌ای
در جان من هر آن‌چه ندیدم تو دیده‌ای

مولوی سیر تحولات خود را این‌گونه بیان می‌کند:

زاهد بودم ترانه گویم کردی
سر فتنه بزم و باده جویم کردی
سجاده‌نشین باوقاری بودم
باز بچه کودکان کویم کردی

و:
دانه‌ای بیچاره بودم زیر خاک
دانه را در دانه کردی عاقبت

و:
در بن چاهی بی‌بوم سرنگون
در همه عالم نمی‌گنجم کنون
و حدیث شمس از زبان مولانا چنین است:

چون حدیث روی شمس‌الدین رسید
شمس چارم آسمان رو در کشید

من چه گویم یک رگم هشیار نیست
شرح آن یاری که او را یار نیست
هم تو شمع می‌هم تو شاهد هم تو می
هم بهاری در میان ماه دی

شمس تبریزی که نور مطلق است
آفتاب است و ز انوار حق است

عشق را روز قیامت آتش و دودی بود
نور آن آتش تو باشی دود آن آتش منم
شمس هر کسی را به شاگردی نمی‌پذیرد... یک ارتباط برتر ارتباطی است که بر اساس آموزش متقابل شکل گرفته است.

او می‌گوید: «مرا در این عالم با عوام هیچ کاری نیست، برای ایشان نیامده‌ام.
این کسانی که رهنمای عالم‌اند، به حق انگشت بر رگ ایشان می‌نهم.»

و استاد به واسطه شاگردش تجلی می‌یابد. آبی بودم، بر خود می‌جوشیدم و می‌پیچیدم و بوی می‌گرفتم. تا وجود مولانا بر من زد، روان شدم. اکنون می‌روم؛ خوش و تازه و خرم. شمس فردیت مولانا را ویران کرده است و حالا آن را از نو می‌سازد:

عاشقی بر من، پریشان‌ت کنم، نیکو شنو
کم عمارت کن که ویرانت کنم، نیکو شنو
تو بر آن که خلق مست تو شوند از مرد و زن
من بر آن که مست و حیرانت کنم، نیکو شنو

بیا کز عشق تو دیوانه گشتم
و گر قصری بدم ویرانه گشتم

شمس تبریزی مرا کردی خراب
هم تو ساقی هم تو می‌هم می‌فروش
و شمس، هم چنان ناشناخته است و برای مولوی شخصیتی اسرارآمیز دارد:

«شمس تبریز ترا عشق شناسد نه خرد»

آفتاب آفتاب آفتاب
من چه می‌گویم مگر هستم به خواب

چو غلام آفتابم هم از آفتاب گویم
نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم
چو رسول آفتابم به طریق ترجمانی
به نهان از او بپرسم به شما جواب گویم

دل من هر دو جهان گشت و نیاید مثالش
به که ماند، به که ماند، به که ماند، به که ماند؟

ای رستخیز ناگهان ای رحمت بی‌منتها
ای آتش افروخته در بیشه اندیشه‌ها

چگونه مدارس کلیشه‌ای را از بین ببریم؟

مرکز

نمانه ایرانی

ما مدرسه بسازند (بخوانید چند کلاس درس). ما قادریم از نظر هزینه‌ها کمک کنیم و دیگر کاری به نوع مدرسه نداریم. هم‌چنان که نمی‌توانیم تصمیم‌گیرندگان واقعی برای پلان‌های مدارس (بخوانید چند کلاس درس در یک یا دو طبقه) باشیم. این صحبت مربوط به اکثر خیرین است.

وقتی پای صحبت معماران و مهندسان دست‌اندرکار می‌نشینیم و آن‌ها را به ساخت و ساز جدید چه باروش‌های جدید و چه با انطباق آن با مدل‌های آموزشی جدید ترغیب می‌کنیم؛ آن‌ها می‌گویند: تمام مشکل ما از ساختار آموزش و پرورش است که با این سیاست‌های غلط ما را مجبور به ساخت مدارس کلیشه‌ای (بخوانید کلاس‌های درس تک راهرو و دو راهرو و یک طبقه و یا چند طبقه) و بدون خلاقیت می‌کنند. و یا تا وقتی معلمان ما اصرار به روش‌های معلم‌محوری دارند و نمی‌خواهند کلاس‌های انعطاف‌پذیری داشته باشند، ما هم نمی‌توانیم کلاس‌ها را حذف و فضاهای بزرگ‌تر و شفاف‌تری برای آموزش فرزندانمان مهیا کنیم (بخوانید همین هم برای این سیاست فرسوده کافی است و ما مهندسان کاری بیشتر از آن‌چه که از ما خواستند انجام نمی‌دهیم).

یکسان‌سازی نادرست تا کجا؟

زمانی که فرصتی پیش می‌آید و با مدیران برای تغییر فضاهای مدرسه‌شان صحبت می‌کنیم، آن‌ها می‌گویند ما گرفتار قوانین دست‌وپاگیر سازمان‌نوسازی مدارس شدیم که اجازه نمی‌دهند حتی رنگ قرنیزها را عوض کنیم یا کلاس‌های خود را تغییر دهیم. ما فرصت این کار را نداریم. مدارس ما عیب و ایرادهای اساسی‌تری دارند که سازمان‌نامنگاری‌های طولانی و طی کردن پروسه‌های اداری هم نمی‌تواند پاسخ درستی به ما بدهد و اگر هم خودمان تغییر را ایجاد کنیم، باید مواخذه شویم. گویی ترسی از تغییر در وجودشان هست که مانع از هرگونه خلاقیتی می‌شود و به همین نحو مدارس ما تماماً شبیه به هم هستند. (بخوانید جعبه‌های یک شکل و همسان که کنار هم قرار گرفته‌اند و نامشان کلاس است.) حتی دست آخر وقتی با معلمان وارد صحبت می‌شویم و

از ابتدای سال جاری، پیوسته صحبت از کلاس درس بود و این‌که کلاس‌های درس امروزی مناسب مدل‌های جدید یادگیری نیستند. بعد از آن سعی کردیم عیوب کلاس‌های فعلی را با بیان ساده تشریح کنیم و به این نتیجه رسیدیم که باید مبلان کلاس را برای عملکردهای مختلف تغییر دهیم. حتی پارافراتر نهاده و دیوارهای کلاس را بنا به شرایط مختلف برداشتیم و آن را به طور مفصل در مقاله‌های گذشته برای فضاهای انعطاف‌پذیر بزرگ تشریح کردیم. کاری که بسیاری از متخصصان این امر به مزایای آن واقف هستند و راه‌های اجرایی کردنش را نیز به خوبی می‌دانند. اما چرا هنوز در اقصی نقاط کشور کلاس درس ساخته می‌شود؟ آیا متولیان این امر و یا معلمان با تجربه و مدیران ما به این مسئله واقف نیستند که این مدل معماری دیگر منسوخ شده است؟ این کلاس درس ساختن مدلی است که در روستاهای دورافتاده ما نیز اتفاق می‌افتد و با ایجاد حتی یک کلاس درس «مدرسه» را می‌سازند؛ چنان‌که گویی باید حداقل یک اتاقک به کلاس درس مانند باشد تا مدرسه دارای هویت بشود و یا اصلاً آن‌جا مدرسه نامیده شود؛ همان اتفاقی که هر روزه در اتاق‌های سازمان‌نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در گوشه و کنار این کشور می‌افتد و بودجه برایش تعیین می‌شود و سپس امضا و باز خرید مصالح و هزینه‌های هنگفت برای ساختن چیزی به نام کلاس درس.

سازمان‌نوسازی مدارس نیاز به نواندیشی دارد

بسیاری از کلاس‌های درس ما (بخوانید مدرسه) را خیرین مدرسه‌ساز می‌سازند. پای صحبت این خیرین که می‌نشینیم و از مدل‌های جدید آموزشی حرف می‌زنیم و بعد مدارس جدید با خصوصیات بومی ایران را برایشان تشریح می‌کنیم، خرسند و شادمان می‌شوند و در نهایت می‌گویند: ما تابع سازمان‌نوسازی مدارس و یا پیمانکار و مهندسی هستیم که برای

نیاز داریم نخست مدل ذهنی خود را از مدرسه (همان کلاس‌ها و همان جعبه‌های همیشگی) و بعد کلاس‌های درس (همان جعبه‌های عینی) را از بین ببریم؛ تا زمانی که جعبه‌های ذهنی از بین نروند جعبه‌های عینی نیز از بین نخواهند رفت

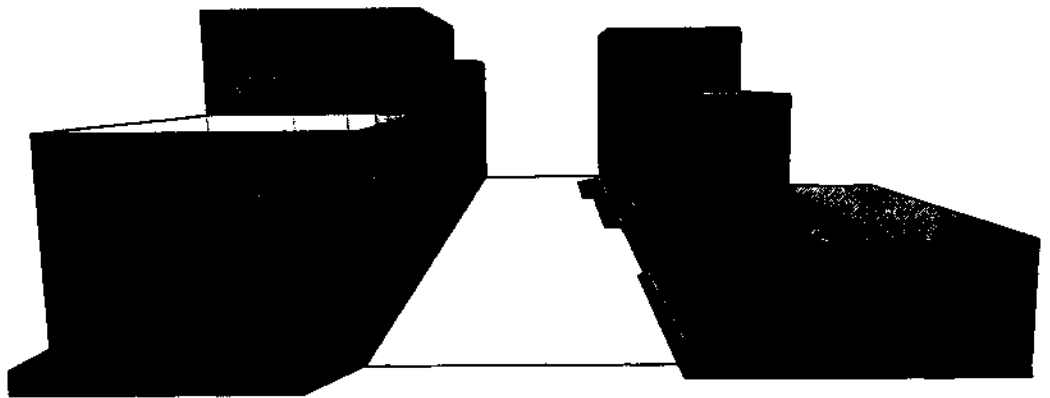
آن‌ها را به تغییر مدل‌ها مجاب می‌کنیم، همگی اذعان دارند که اداره چنین اجزاهای نمی‌دهد و آن‌ها نمی‌توانند چنین ریسکی بکنند. این است که ما نمی‌توانیم از طرح‌هایی که اتفاقاً بسیار خوب هم هستند حمایت کنیم و یا در جایگاهی نیستیم که بتوانیم به سیستم فشار بیاوریم و خواسته‌های خود را به آنان بازگو کنیم. تصمیم را مهندسان می‌گیرند و ما مجبور به اطاعت و گذراندن زمان خود در کلاس‌های درس (بخوانید جعبه‌های همیشگی هم‌شکل و سرد و بی‌روح) هستیم.

گام مهم: تغییر نگرش

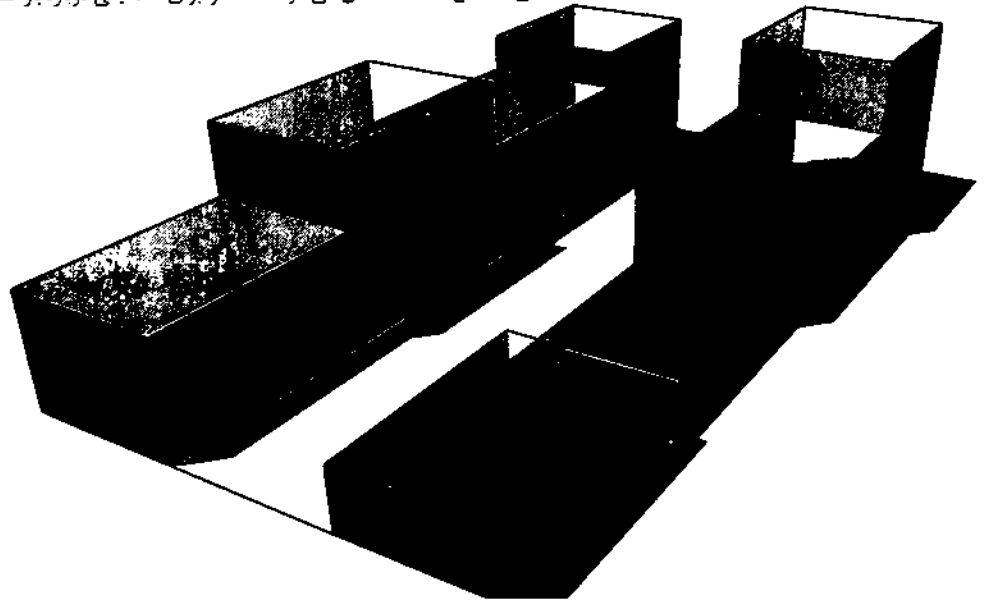
واقعیت امر اما چیز دیگری است. این سؤال که «آیا باید ساخت کلاس‌های درس به شکل امروزی متوقف شود؟» سؤالی بی‌معنا می‌نماید. نمی‌توان شعارگونه بسودن آن را انکار کرد، اما آن اندازه هم سؤال نامعقولی نیست که نتوان آن را توضیح داد. سالانه در این کشور به تنهایی مبلغ فلان میلیارد تومان صرف ساختن مدارس می‌شود. پس هیچ کس این حرف را جدی نمی‌گیرد که جامعه ما باید به یکباره ساخت کلاس‌های درس (بخوانید همان مدرسه!) را متوقف کند. یک بار دیگر پرسش را مرور کنید. در حقیقت سخن این نیست که «ساخت و ساز» را برای همیشه متوقف کنیم، بلکه منظور این است که ساختن «این مدرسه‌ها» (بخوانید همان کلاس‌های

درس بی‌روح) را متوقف کنیم. نکته این است که جامعه ما راه دور و درازی را برای رسیدن به همین «فرم معمول مدرسه‌ها برای شرایط آموزشی» طی کرده است. بنابراین برای ما بسیار سخت است که نمونه جدیدی را بسازیم و آن را به جامعه بقبولانیم. از طرف دیگر در قرن بیست و یکم وجود شهروندانی باسواد و فرهیخته بیش از هر دوره تاریخی دیگری برای جامعه ما ضرورت دارد؛ بنابراین، استدلال و رویکردی مبنی بر این که این آموزش‌ها را کماکان در قالب مدارس اوایل قرن بیستم ارائه دهیم، ضعیف‌ترین استدلال و رویکرد است. این گونه تغییرات میسر نمی‌شود مگر این که ما اول مدل ذهنی خود از «مدرسه» (بخوانید همان تجمع کلاس‌های درس با یک دفتر و چند آزمایشگاه و یک نمازخانه!) را کنار بگذاریم. اما از آن جا که، برای اغلب ما، واژه «مدرسه» واژه‌ای بسیار پرمعناست، همین، به خودی خود، می‌تواند مانعی برای «تغییر» باشد. به همین جهت است که ما به واژگان و اصطلاحات دیگری میدان می‌دهیم تا تعابیر ریشه‌دار و حک شده در ذهنمان را کم‌رنگ کند و قابلیت‌ها و امکانات جدیدی را برایمان آشکار سازد. برای این تغییر، نیاز داریم نخست مدل ذهنی خود را از مدرسه (همان کلاس‌ها و همان جعبه‌های همیشگی) و بعد کلاس‌های درس (همان جعبه‌های عینی) را از بین ببریم؛ تا زمانی که جعبه‌های ذهنی از بین نروند جعبه‌های عینی نیز از بین نخواهند رفت.

ما گرفتار قوانین دست و پاگیر سازمان‌نوسازی مدارس شده‌ایم که اجازه نمی‌دهند حتی رنگ قرنی‌ها را عوض کنیم یا کلاس‌های خود را تغییر دهیم



جعبه‌هایی که مانع شکسته شدن می‌شوند تا فضا را برای خلاقیتی دوباره باز کنند.



چگونه روز آخر مدرسه را به
بهترین روز سال تبدیل کنیم؟

روز آخر خاطره خوش

پروین داعی پور

خودکار ساده باشد، می‌تواند رنگی باشد. سپس از همه بخواهید تا نام خودشان را خوانا بر بالای صفحه بنویسند. خودتان هم مانند بقیه بر روی کاغذ نامتان را بنویسید. در ادامه بگویید: «حالا می‌خواهیم نوشته‌های را به یادگار از هم داشته باشیم. روش کار این است که وقتی من با صدای بلند گفتم بچرخونید، هر کس کاغذ خود را در جهت حرکت عقربه‌های ساعت به نفر بغل دستی‌اش می‌دهد. وقتی کاغذ جدید به دست‌تان رسید، نام صاحب کاغذ را بخوانید. سپس در یک خط، نظر خود را در مورد فرد مورد نظر بنویسید. شرط اصلی بازی این است که فقط بایستی موارد مثبت را بنویسید و اجازه نوشتن نکات منفی را ندارید و دیگر این که از یک خط بیشتر نشود. می‌توانید به جای جمله فقط صفات را بنویسید؛ مثلاً فکر کنید من می‌خواهم نظرم را در مورد فاطمه بنویسم، به طور خلاصه می‌توانم بنویسم مهربان، منظم، دوست خوب و دوست‌داشتنی. برای هر کس یک دقیقه تا یک دقیقه و نیم وقت می‌دهم و وقتی دوباره گفتم بچرخونید، هر کس کاغذش را به بغل دستی‌اش می‌دهد؛ این قدر این کار را می‌کنیم تا در انتها به کاغذ خود برسیم. متوجه شدید؟»

معلم بایستی از فهمیدن دستورالعمل مطمئن شود. به سوالات بچه‌ها جواب دهید توجه کنید حتی با اصرار شاگردان به هیچ وجه اجازه نوشتن موارد منفی را ندهید. اگر آماده‌اند، بازی را شروع کنید!

در پایان بازی هر کس نوشته‌های زیبا از نظرات همکلاسی‌های خود دارد که برای عیدهای به یقین تا مدت‌ها یادگار می‌ماند.

به پایان سال تحصیلی نزدیک می‌شویم و به زودی آخرین جلسه کلاس فرا می‌رسد؛ جلسهای که می‌توان با پیش‌بینی انجام کارهای ساده گروهی آن را تبدیل به یک روز خوش، یک خداحافظی قشنگ و خاطره‌های زیبا و فراموش‌نشده کرد. حقیقت این است که بعضی از خاطرات ساختنی‌اند و یکی از منابع و مراجعی که می‌تواند برای بچه‌ها خاطرات زیبایی بسازد، دوران مدرسه و معلم است. چه خوب است که در سالیان بعد دانش‌آموزان دیروز یک روز استثنایی را در مدرسه‌شان به یاد آورند و چه زیبا خواهد بود اگر قسمتی از این خاطره به معلم برگردد.

یکی از فرصت‌های مناسب، داشتن یک طرح درس شیرین برای روز آخر درس است. با انجام فعالیت‌های ساده و کم هزینه می‌توان یک روز خاص ساخت. فعالیت‌هایی که برای دانش‌آموزان لذت‌بخش و شیرین است و در عین حال نکات کوچک و چه بسا پربار معنوی، اخلاقی و رفتاری دارد. از روز آخر، یک روز استثنایی بسازید! روزی متفاوت با همه روزهای تحصیلی. ابتدا از نحوه و چیدمان نشستن شاگردانتان شروع کنید. از آن‌ها بخواهید تا گرد هم به صورت حلقه بنشینند؛ به گونه‌ای که همه بتوانند همدیگر را ببینند. خودتان هم در حلقه بنشینید. حتی‌الامکان میزی نبوده و فضای وسط خالی باشد. حال برنامه خود را اجرا کنید. برنامه را با فعالیت‌های گروهی و جذاب طراحی کنید.

فعالیت گروهی

دهه‌ها بازی و فعالیت گروهی می‌توان طراحی کرد. از بازی‌های حرکتی گرفته تا بازی‌های دسته جمعی فکری. می‌توان بچه‌ها را به گروه‌های کوچک تقسیم کرد و با دادن موضوعی برای صحبت یا چیزی برای ساختن یا انجام یک کار گروهی آن‌ها را با هم به نتیجه رساند.

یک نمونه فعالیت

همه در حلقه دور هم بنشینند. به هر کس یک کاغذ سفید و یک وسیله نوشتن داده می‌شود؛ می‌تواند مداد یا

داستان
حتماً یک داستان کوتاه چند پاراگرافی انتخاب کنید و اگر می‌توانید آن را تکثیر کنید به هر کدام یکی بدهید. بگویید می‌خواهم برایتان یک قصه بخوانم و بعد با صدای

بلند آن را بخوانید. از بچه‌ها بخواهید از احساس و برداشت خود بگویند. به هر آن چه که احساس و برداشتشان است احترام بگذارید. به طور کلی داستان و قصه تأثیر عمیق بر روی همه دارد. با انتخاب یک داستان مناسب می‌توان خیلی حرف‌ها را انتقال داد. از معجزه قصه غافل نشوید و کلاً سعی کنید در طول سال هم فراخور درس‌تان از آن بهره ببرید و برای تفهیم مطالب از ذکر قصه یا ضرب‌المثل غافل نشوید. ادبیات ما مملو از داستان‌ها و حکایت‌های شیرین است. با قرائت داستان جلسه آخر خود را دلنشین سازید.

یک نمونه

شب عید بود و هوا، سرد و برفی.

پسرک، در حالی که پاهای برهنه‌اش را روی برف جابه‌جا می‌کرد تا شاید سرمای برف‌های کف پیاده‌رو کمتر آزارش بدهد، صورتش را چسباندن بود به شیشه سرد فروشگاه و به داخل آن نگاه می‌کرد.

در نگاهش چیزی موج می‌زد. انگار که با نگاهش، نداشته‌هایش را از خدا طلب می‌کرد، انگار با چشم‌هایش آرزو می‌کرد.

خانمی که قصد ورود به فروشگاه را داشت، کمی مکث کرد و نگاهی به پسرک که محو تماشا بود انداخت و بعد رفت داخل فروشگاه چند دقیقه بعد، در حالی که یک جفت کفش در دستانش بود بیرون آمد.

- آهای، آقا پسر!

پسرک برگشت و به سمت خانم رفت. چشمانش برق می‌زد، وقتی آن خانم کفش‌ها را به او داد، پسرک با چشم‌های خوشحالش و با صدای لرزان پرسید:

- شما خدا هستید؟

- نه پسر، من تنها یکی از بندگان خدا هستم!

- آها، می‌دانستم که با خدا نسبتی دارید!

نمونه‌های دیگر

در زمان‌های گذشته پادشاهی تخته سنگی را در وسط جاده قرار داد و برای این‌که عکس‌العمل مردم را ببیند خودش را در جایی مخفی کرد.

بعضی از بازرگانان و ندیمان ثروتمند پادشاه بی تفاوت از کنار تخته سنگ می‌گذشتند. بسیاری هم غرولند می‌کردند که این چه شهری است که نظم ندارد. حاکم این شهر عجب مرد بی‌عرضه‌ای است و...

نزدیک غروب یک روستایی که پشتش بار میوه بود نزدیک سنگ شد و با هر زحمتی که بود تخته سنگ را از وسط جاده برداشت و آن را کناری قرار داد. ناگهان کیسه‌های دید که زیر تخته سنگ قرار داده شده بود کیسه را باز کرد داخل آن سکه‌های طلا و یک یادداشت پیدا کرد.

پادشاه نوشته بود: هر سد و مانعی می‌تواند یک شانس برای تغییر زندگی انسان باشد.

یادگار

در آخر برای دانش آموزان‌تان می‌توانید یک هدیه کوچک انتخاب کنید. فراموش نکنید حتی اگر توان مالی هم دارید هیچ‌گاه اجناس لوکس هدیه ندهید نکته مهم دادن اسبلی

صد آفرین

ساده است که هوشمندانه به آن معنایی عاطفی یا معنوی داده‌اید. بسیاری از آدم‌ها اشیای به ظاهر کم قیمتی دارند که به آن‌ها بسیار دلبسته‌اند. این اشیاء معمولاً یادگار افراد خاص یا دوران خاص است. نگاه به آن‌ها یادآور خاطرات جذاب و دوست‌داشتنی است. این یادگارها به قدری برای فرد ارزشمند می‌شود که آن را برای همیشه نزد خود نگه می‌دارد. به ابتکار یک معلم خوش ذوق توجه کنید:

معلمی در آخرین روز تحصیلی به شاگردانش پاکت ساده‌ای هدیه داد که بر روی آن نوشته بود: «در این پاکت شما اشیای کوچکی خواهید یافت که کلید بسیاری از آورده‌های آینده شما را در خود جای داده است. برای من جدا شدن از شما سخت است اما همواره در قلبم خواهید بود.»

اما موجودی پاکت:

یک خط‌کش برای این‌که یادت باشد همیشه خطوطی هست که بایستی از آن پیروی کنی.

یک قلم برای این‌که یادت باشد هنوز خیلی چیزها هست که باید یاد بگیری.

یک مارکر برای این‌که یادت باشد هر جا می‌روی از خود اثر خوبی به جا بگذاری.

یک پاک‌کن برای این‌که یادت باشد می‌توان اشتباهات را جبران کرد.

به امید آن‌که خاطره خوش به پایان رساندن یک سال تحصیلی دیگر وجودتان را عطر آگین و پر از مهر کند.

از روز آخر، یک روز استثنایی بسازید! روزی متفاوت با همه روزهای تحصیلی

ارزش‌یابی ترکیبی

زهرا شعبانی

چرا این‌طوری

به بن‌بست خواهد رسید. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی می‌خواهد از فرصتی که به آن داده شده است از زاویه نگاه خود شما این موضوع را دقیق‌تر ارزیابی کند و در واقع بر آن است تا به دنبال پاسخ این پرسش باشد که رویکرد ارزش‌یابی ترکیبی چیست؟

● موضوع «ارزش‌یابی ترکیبی» یکی از محورهای تحول نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی است. وقتی اهداف مشخصی برای ادامه هر یک از دروس مطرح می‌شود، قطعاً جهت استمرار آن نیز برنامه‌هایی تعریف می‌شود. یک بخش به دانش محتوای درس، بخش دوم به نگرش دانش‌آموز به آن درس و بخش سوم به مهارت‌هایی مربوط است که او کسب می‌کند. آن‌چه که رصد کردنی است، شامل میزان یادگیری، تغییرات نگرشی و مهارت‌هایی می‌شود که دانش‌آموز کسب

وای از روزی که نمره‌ات یک رقمی می‌شد و آقا معلم با خودکار قرمزش دو بادی گارد در کنارش می‌گذاشت تا نکند شیطنت کنی و برای آبروداری رقم ناقابل کنارش بگذاری!

همه خوبی‌ها و بدی‌های شخصیت دوران کودکی و نوجوانیت در یک عدد خلاصه می‌شود و در محافل دوستان و اقوام با این پرسش ساده به همه معرفی می‌شود: معدل امسال چند شده؟

شاید این شوک‌های «روز کارنامه» است که آن دسته از دانش‌آموزان قدیمی را که امروز مسئولیتی در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش دارند به فکر چاره‌جویی انداخته است تا نسل‌های بعدی کمتر زیر بار این نوع ارزش‌یابی یا بهتر بگوییم ارزش‌گذاری ترک بردارند و بشکنند

همراه جعفر ربانی، سردبیر رشد معلم و احمد شریفان، عضو شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی رشد تکنولوژی آموزشی و محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به دیدار منوچهر فضلی‌خانی رفتیم تا بپرسیم فرایند ارزش‌یابی ترکیبی چیست؟

○ این روزها زمزمه‌هایی در رابطه با موضوع ارزش‌یابی ترکیبی به گوش می‌رسد. اصطلاح زمزمه را به این خاطر به کار بردم که تا وقتی موضوعی به روشنی و به دور از هر ابهام‌گذاری، «تبیین» نشود، در میانه راه

شاید آفت طرح‌ها که اغلب ارزش‌مندان این باشند که می‌خواهیم با بخش‌نامه‌ها یکسان‌سازی کنیم. چون با این وصف، عنصر اختیار را از استان‌ها گرفته‌ایم



کرده است. متأسفانه ارزش‌یابی سنتی در دو بخش نگرش و عادت کمتر موفق بوده و بیشتر بر ارزیابی دانستنی‌های دانش‌آموز تأکید داشته است. در روش‌های مدرن وقتی مهارت‌های عملکردی در راستای تربیت اجتماعی سنجیده می‌شوند، نقص روش‌های سنتی بیشتر به چشم می‌آید. به همین خاطر سراغ ارزش‌یابی ترکیبی رفتیم.

○ در رویکرد ارزش‌یابی ترکیبی چگونه روش‌های کمی و کیفی در کنار هم به کار برده می‌شود؟

● در این مدل ترکیبی دانش‌فرد به روش کمی یعنی آزمون و تعیین نمره، سنجش می‌شود. نمره ۱۰ به معنای کسب ۵۰ درصد واحد دانش‌درسی است. اما معیار سنجش حوزه تربیت اجتماعی نمی‌تواند عدد باشد. فرضاً مهارت دوست‌یابی در درس علوم اجتماعی با روش «مشاهده»، «پروژه» و چند آزمون عملکردی دیگر قابل توصیف است و در نهایت با چند عدد و عبارت توصیفی وضعیت دانش‌آموز مشخص می‌شود.

○ یعنی در واقع دانش‌آموز همیشه در معرض ارزیابی قرار دارد؟

● دقیقاً همین‌طور است؛ حتی در خانه توسط پدر و مادر. ارزیابی کمی زمان و مکان را مشخص می‌کند اما در روش کیفی محدودیت زمانی و مکانی نداریم.

○ شاید بهتر باشد قبل از این که بیشتر به چگونگی اجرای این طرح بپردازیم، به اهداف تعریف شده در رابطه با عملیاتی‌شدن ارزش‌یابی ترکیبی هم اشاره‌ای داشته باشیم.

● البته، ابتدا به سه هدف عام اشاره می‌کنیم و بعد از آن درباره چند هدف ویژه به صحبت می‌پردازیم.

- اهداف سه‌گانه عام عبارت‌اند از:
- ✓ جمع‌آوری اطلاعات جهت اصلاح برنامه‌ها؛
- ✓ حصول اطمینان از بحث‌یادگیری دانش‌آموز و ارتقای وی؛
- ✓ تشخیص و پرورش علایق و استعدادهای دانش‌آموز.

و اما اهداف ویژه طرح نیز از این قرارند:
✓ ایجاد التزام به رشد همه‌جانبه دانش‌آموز؛
اگر زمانی فقط به رشد ذهنی توجه داشتیم، دیگر وقت آن رسیده که نوع نگرش دانش‌آموز به مفاهیم تغییر کند و چگونگی کسب مهارت‌ها، نظارت و هدایت شود.

✓ رشددهندگی، امیدآفرینی و تقویت اعتمادبه‌نفس؛
در این روش دلپوره‌ها کم و نشاط افزایش می‌یابد. در ارزیابی کمی در واقع برای دانش‌آموز جایگاهش را تعریف می‌کنیم؛ چون که اضطراب و دلپوره جایی برای رشد نمی‌گذارد. اگر هدف از ارزیابی رشد باشد، هر فردی حاضر است ناشناخته‌ها و ضعف‌هایش را هم بگوید تا رشد کند. در حالی که در ارزیابی که صرفاً کمی است، فرد فقط قوت‌ها را می‌گوید تا کمتر در رقابت منفی سرخورده شود. چون در این روش شکست رقیب پیروزی است. در حالی که در ارزش‌یابی ترکیبی همه پیروزند چون آمده‌اند که رشد کنند. آن‌چه که در سطح جهان مطرح است آموزش به معنی رشد است.

✓ افزایش بهداشت روانی محیط یادگیری؛
یادمان باشد که در یک محیط نابسامان شاید آموزش شکل بگیرد، اما تربیتی در کار نخواهد بود! علاوه بر اهداف ذکر شده، در بخش اصول هم نکاتی مطرح است که اگر اجازه بدهید به چند نکته اشاره کنم.
○ البته.

● اصل جدایی‌ناپذیر ارزش‌یابی ترکیبی از آموزشی؛
در ذات بسیاری از روش‌های یادگیری، ارزش‌یابی هم وجود دارد. مثلاً در تاروپود پروژه، نکات ارزیابی نهفته است، چنان‌که در همان لحظه یادگیری، ارزش‌یابی نیز صورت می‌گیرد.
✓ اصل توجه به دانش و نگرش همه‌جانبه؛
خداوند از مخلوق ویژه‌اش به نام انسان خواسته است که دیگر مخلوقات را ارزیابی کند. با این نگرش، انسان مؤمن خودش را هم ارزیابی می‌کند. در واقع دانش‌آموز در روش

دانش‌آموز در روش
ارزیابی ترکیبی در
ارزیابی خودش سهیم
است؛ در حالی که در
روش سنتی هیچ نقشی
در این امر مهم ندارد

به ترتیب از سمت راست: جعفر ربانی، منوچهر فضلی‌خانی، احمد شریفان و محمدرضا حشمتی





یادمان باشد که در یک محیط نابسامان شاید آموزش شکل بگیرد، اما تربیتی در کار نخواهد بود

پس از غلامرضا پهلوانی

ارزیابی ترکیبی در ارزیابی خودش سهیم است؛ در حالی که در روش سنتی هیچ نقشی در این امر مهم ندارد.
✓ اصل نوآوری و خلاقیت در جریان یادگیری؛
✓ اصل توجه به تفاوت‌های فردی؛

هیچ دو انسانی یکسان نیستند پس به یک شکل یاد نمی‌گیرند و نباید به یک روش ارزیابی شوند. در ارزیابی ترکیبی ضمن توجه خاص به تفاوت‌های فردی به آن بها داده می‌شود. حضرت علی (ع) تفاوت‌های فردی را خیر می‌دانند در حالی که متأسفانه ما می‌خواهیم با آزمون و تعیین نمره حتی مدرسه دانش‌آموزان را جدا کنیم. در یکسانی چالشی وجود ندارد؛ پس رشدی هم صورت نمی‌گیرد. تفاوت‌های فردی هستند که بحث‌های چالش‌انگیز و رشددهنده را ایجاد می‌کنند و اگر درست هدایت شوند، نشاط‌آور خواهند بود.

○ در این جا ربانی که حضور یک معلم پویا در کلاس درس دغدغهٔ همیشگی ذهن اوست، بحث را به نقش معلم در این حیطه می‌کشاند و می‌گوید:

می‌دانم به این امر واقفید که در همین نظام ارزیابی سنتی انسان‌های فرهیخته‌ای تربیت شده‌اند و تقریباً همه دانش‌آموزان با این روش ارزش‌یابی می‌شوند با وجود این، نقد نظام سنتی دیر نشده است. آیا بهتر نیست بر جنبه‌های مشترک این دو روش بیشتر تأکید شود؟ چون بیم آن می‌رود که مبادا معلم‌ها درست توجه نشوند و تصور کنند کارها با یک توصیف معمولی ساده‌تر شده است!

● در روش ترکیبی هنوز هم روش سنتی جایگاه خودش را دارد. سنجش کمی در کارنامه با عدد و ارقام گزارش می‌شود. بنده با نکته‌ای که در رابطه با معلم فرمودید، موافقم تا وقتی که گزاره‌های ذهنی معلم تغییر نکند و به این باور و اعتقاد نرسد، روش ارزش‌یابی ترکیبی نه تنها به معنای ساده شدن کارها نیست بلکه به دنبال یک رشد همه‌جانبه در یک محیط شاد و بدون تنش است، که بدین ترتیب کاری از پیش نخواهیم برد. البته در نظر داریم پس از گذار از فرایند عام تولید طرح به تولید محتوا برای معلم، مدیر و اولیای مدرسه بپردازیم و یک بسته کامل و همه‌جانبه به ایشان عرضه کنیم. ضمن این که در این مسیر قدم کوچکی هم برداشته شده است؛ مثلاً یک دوره آموزشی برای مدیران مدرسه برگزار گردید.

○ آیا آموزش‌هایی که صورت گرفته با برنامهٔ درسی، امکانات فعلی، محیط، محتوای آموزشی و انتظارات موجود همخوانی داشته است؟ می‌خواهیم بدانیم نگرش آن‌ها به این طرح چگونه بوده و آیا توانایی اجرای آن را دارند؟

● در ارزیابی ملی و استانی که توسط اساتید صورت گرفت، به این نتیجه رسیدیم که همه یک پارچه مدافع طرح نخواهند بود. اجرا و توسعهٔ آن، ناحیه به ناحیه شننی است و این نقص فقط به خاطر چگونگی تبیین همهٔ طرح‌های ماست.
○ حشمتی دلیل حمایت نشدن طرح از سوی معلم و گاهی تحریف آن را آسیب‌شناسی می‌کند و معتقد است طرح درست تبیین نمی‌شود و با معلم برای معلم برنامه‌ریزی نمی‌کنند. پس اگر معلم منفعل است به این

خاطر است که در طرحی که باید آن را اجرا کند دیده نشده است؛ وی در ادامه می‌گوید:

نگاه ما در ساختار از بالا به پایین است. شاید آفت طرح‌ها که اغلب ارزشمندند این باشد که می‌خواهیم با بخش‌نامه‌ها یکسان‌سازی کنیم چون با این وصف عنصر اختیار را از استان‌ها گرفته‌ایم.

● فضلی خانی می‌گوید: البته دلیل آن می‌تواند عدم تمرکز ما بر وظایف و تخصص‌هایمان باشد. تقسیم کار نیروها یکی از راه‌حل‌های اساسی این معضل است. این ضعف باعث شده کسی که در ستاد ایده‌ای را مطرح می‌کند، می‌تواند چند ساعت آن را تحلیل نماید و بعد از تصویب، مسئول استانی یک ساعت، مدیر نیم ساعت و معلم دو دقیقه دربارهٔ آن صحبت کنند. در آموزش و پرورش باید آچاربکس باشی. اگر انبردست باشی، پیچ را باز می‌کنی اما زخمی هم به جا می‌گذاری!

○ در ادامه، شریفان پس از طرح این پرسش که آیا ارزش‌یابی ترکیبی در شناخت رفتار یادگیرنده مؤثر بوده و به عبارتی به اهداف آموزشی که تربیت شهروند خوب است رسیده یا نه، گفت:

به اعتقاد بنده ابتدا باید تحقق اهداف مورد ارزش‌یابی قرار بگیرد تا مؤلفهٔ ارزش‌یابی به عنصر یادگیری تبدیل شود. اما اول به این پرسش جواب دهیم که ارزش‌یابی برای یادگیری است یا ارزش‌یابی یادگیری مدنظر ماست؟ آیا یادگیری ما بر مبنای پروژه است که می‌خواهیم امروز ارزش‌یابی بر پایهٔ پروژه صورت بگیرد؟!

در مورد بُعد نگرشی معتقدم که نمی‌توان به آن نمره‌ای داد. آیا اهداف و یادگیری به تغییر نگرش دانش‌آموز می‌انجامد؟ یک جا نگرش دانش‌آموز به درس سنجیده می‌شود و جای دیگر اهداف آموزشی در سنجش نگرش تعقیب می‌شود. ابتدای سال تحصیلی معلم باید ابعاد نگرشی را بسنجد سپس حرکت کند. برای مثال ببیند مافرد گراییم یا جمع‌گرا و یکسان‌بین! در ارزش‌یابی نگرش، ملغمه‌ای از ابزار و روش‌ها را مطرح می‌کنیم. در حالی که همهٔ آن‌ها را نمی‌توان به کار بست. در جایی از من خواستند که در مورد ارزش‌یابی توصیفی کارگاهی برگزار کنم. گفتم دربارهٔ ارزش‌یابی می‌توانم حرف بزنم اما از من نخواهید دربارهٔ ارزش‌یابی توصیفی بگویم چون اعتقادی به آن ندارم. زیرا در ادبیات ارزش‌یابی، اصطلاحی به نام ارزش‌یابی توصیفی نداریم، بلکه ارزش‌یابی به کمی و کیفی تقسیم می‌شود.

در حال حاضر نیز به کار بستن اصطلاح روش سنتی و غیرسنتی اشتباه است. آن چه واضح است این است که ما روش‌های سنجش هدف‌های شناختی و غیرشناختی داریم! ● فضلی خانی در پاسخ به نقد شریفان از ضعف مبنای نظری آیین‌نامه گفت و این که از زوایای مختلف در شورای عالی به این طرح پرداخته شده است و البته باز هم جای نقد و تحلیل دارد. وی هم‌چنین افزود:

وقتی ارزش‌یابی در سه بُعد پیش برود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. با ضعف‌هایی که مطرح کردید موافقم. کارگروه‌هایی داریم که با دعوت از کارشناسان به رفع آن‌ها خواهند پرداخت.

مجله آموزش عالی



اگر می توانستم یک بار دیگر به دنیا بیایم:
 ✓ کمتر حرف می زدم و بیشتر گوش می کردم.
 ✓ دوستانم را برای صرف غذا به خانه دعوت می کردم، حتی اگر فرش خانه ام کثیف و لکه دار بود و یا کاناپه ام ساییده و فرسوده شده بود.
 ✓ در سالن پذیرایی ام ذرت بو داده می جویدم و اگر کسی می خواست آتش شومینه را روشن کند، نگران کثیفی خانه ام نمی شدم.
 ✓ پای صحبت های پدر بزرگم می نشستم تا خاطرات جوانی اش را برایم تعریف کند و در یک شب زیبای تابستانی پنجره های اتاق را نمی بستم تا آرایش موهایم به هم نخورد. شمع هایی را که به شکل گل رز هستند و مدت ها روی میز جا خوش کرده اند روشن می کردم و به نور زیبای آن ها خیره می شدم.
 ✓ با فرزندانم روی چمن می نشستم، بدون آن که نگران لکه های سبزی شوم که روی لباسم نقش می بندند.
 ✓ با تماشای تلویزیون کمتر اشک می ریختم و قهقهه خنده سر می دادم و با دیدن زندگی بیشتر می خندیدم.
 ✓ هر وقت که احساس کسالت می کردم، در رخت خواب می ماندم و از این که آن روز را کار نکردم، فکر نمی کردم دنیا به آخر رسیده است.
 ✓ هرگز چیزی را نمی خریدم فقط به این خاطر که به آن احتیاج دارم و یا این که ضمانت آن بیشتر است.
 ✓ وقتی که فرزندانم با شور و حرارت مرا در آغوش می کشیدند، هرگز به آن ها نمی گفتم: بسه دیگه، حالا بروید پیش از غذا خوردن دست های تان را بشوید، بلکه به آن ها می گفتم دوستان دارم.
 ✓ اما اگر شانس یک زندگی دوباره به من داده می شد، هر دقیقه آن را متوقف می کردم، آن را به دقت می دیدم، به آن حیات می دادم و هرگز آن را بیهوده از دست نمی دادم.

تابستان گرمای دگرگونی

دکتر احمد مختاریان



گرمزدگی یعنی برخورد طولانی مدت با گرما؛ به طوری که دمای داخلی بدن تا حد بحرانی افزایش یابد

مربوط به خود را می طلبید؛ یعنی باید مراقب باشیم تا توان و تاب و تحملمان را از دست ندهیم و تلاش کنیم که نور شدید آفتاب سلامتمان را از ما باز نستاند. به همین دلیل این شماره که در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ و در آستانه گرم شدن هوا و ورود به تابستان منتشر شده به اصلی ترین مطالبی که توجه و رعایت آن‌ها در این فصل ضرورت دارد و می تواند از سلامت ما صیانت و نگاهبانی کند؛ اختصاص یافته است.

تابستان دو بعد دارد: حرارت و گرما، و اشعه نورانی خورشید. هر یک آن‌ها علاوه بر فواید زیادی که دارند، زیان‌هایی را نیز به همراه می آورند. پس می‌بایست آن‌ها را از بین برد و یا به حداقل رساند.

حرارت تابستان

گرمای تابستان (نه نور خورشید) باعث افزایش دمای داخلی بدن می‌شود. بدن در یک واکنش طبیعی به منظور کاهش دما عرق می‌کند (تعریق). این رفتار بدن مهم ترین عملی است که

از زمانی که انسان به ساخت و تولید واژه‌ها و جمله‌ها دست یافته و توانسته سخن بگوید، همواره تلاش کرده است تا واژه‌ها با معنی و مفاهیمی که در ذهن دارد، سازگار باشند. این قاعده در تمام زبان‌ها و نزد همه ملت‌ها رعایت شده است. زبان‌سازان پارسی گوی ما نیز از این قانون پیروی کرده و واژگان این زبان را توسعه و ارتقا دادند؛ مثلاً نام هر یک از فصل‌ها در زبان فارسی دارای مفهوم خاصی است و براساس همان قاعده ساخته شده اما آن‌چه با مقصود این مقاله سازگار می‌نماید واژه «تابستان» است. این کلمه از دو واژه «تاب» و «ستان» ساخته شده است. اگر «تاب» به معنی توان و تحمل و نیرو و «ستان» به معنی گرفتن و ستاندن باشد، این لغت به معنای فصل و دورمای از سال است که تاب و توان آدمی را می‌ستاند و اگر «تاب» از لغت تابیدن و تابش گرفته شده باشد به معنای بخشی از سال است که تابش فراوان و شدید نور خورشید در آن رخ می‌دهد.

به هر حال «تابستان» به هر یک از معانی دوگانه بالا و یا به معنای عامیانه آن (گرمای شدید) باشد، توجهات بهداشتی

دکتر احمد مختاریان

فرد را از آستانه مرگ و یا حتی مردن دور می کند

معمولاً افراد چاق بیشتر از افراد لاغر عرق می کنند اما وراثت و وضعیت ساختمانی بدن اصلی ترین نقش را در این زمینه ایفا می کند. تعریق باعث از دست رفتن مقدار زیادی آب و مقدار کمی سدیم و املاح و یون های ضروری می شود. پس مهم ترین و بهترین کار نوشیدن آب به مقداری است که آب از دست رفته را جبران کند.

باید توجه کافی و جدی به این امر داشته باشید که آب دارای مواد افزودنی به ویژه قند و شکر نباشد. این دو، مانع جذب کافی آب از روده ها می شوند و در نتیجه آب از دست رفته جایگزین نمی شود. پس نوشیدن شربت ها (به جز شربت آب لیمو که شکر آن بسیار کم باشد) و نوشابه هایی که قند زیادی دارند کار درستی نیست. اما نوشیدن آب خالص و یا آبمیوه های طبیعی (آبمیوه های صنعتی و کارخانه ای دارای قند زیاد هستند و هم چنین آبمیوه هایی که در آبمیوه فروشی ها عرضه می شود برای جبران آب و یا خنک شدن مناسب نیستند) و یا خوردن میوه های آبدار مانند هندوانه، خربزه، طالبی، گرمک، خیار، گوجه فرنگی و ده ها میوه آبدار دیگر که در این فصل می رسند، بسیار مفید است. در این جا لازم است سه نکته مورد توجه قرار گیرد:

○ استفاده بیش از حد از آب های معدنی بسته بندی شده به دلیل افزایش تراکم عناصر مورد نیاز بدن می تواند مشکلاتی را به بار آورد.

○ خوردن میوه های آبدار طبیعی علاوه بر تأمین آب بدن، باعث رسیدن عناصر و ویتامین های مورد نیاز به بدن و نیز شادابی فرد می شود.

○ از نوشیدن مایعات بسیار سرد (تگری) خودداری شود. زیرا علاوه بر صدمه زدن به اندام های بسیار گرم داخلی، میزان جذب آب را کاهش می دهد و تشنگی حاصل از تعریق را کاملاً جبران نمی کند.

تذکر: از نظر علمی ضرورت استفاده از قرص های نمک و مانند آن در تابستان به اثبات نرسیده است.

برای خنک کردن بدن در مقابل جریان هوای سرد نایستید و تا حد امکان صورت خود را با آب بسیار سرد خیس نکنید. بهترین کار خیس کردن دست ها تا آرنج و پاها تا زانو و یا قرار دادن پاها در آب خنک (نه سرد) به مدت چند دقیقه است. توجه داشته باشید که خروج سریع از محیط سرد مانند جایی که از کولر های گازی استفاده می کنند و ورود ناگهانی به محیط گرم رفتاری نادرست است.

گرمزدگی

یکی از مشکلات رایج در تابستان گرمزدگی است. گرمزدگی یعنی بر خورد طولانی مدت با گرما؛ به طوری که دمای داخلی بدن تا حد بحرانی افزایش یابد. علائم آن عبارتند از: بی حالی، احساس گرمای شدید، تپش قلب و گاهی هم سرگیجه و تهوع. تنها راه درمان، قرار گرفتن در محیط خنک و خیس کردن بدن و قرار دادن پاها در آب خنک است. راه پیش گیری از گرمزدگی خنک نگه داشتن بدن و دوری از محیط های گرم و استفاده از سایه است. استفاده از استخر و

شنا کردن یکی از رایج ترین تفریح ها در این فصل است. برای آشنایی با نکات بهداشتی استخر به شماره ۵ این نشریه که در بهمن ماه چاپ شده است مراجعه فرمایید.

تعریق بیش از اندازه و عرق سوز شدن

تعریق زیاده از حد باعث بروز مشکل خاصی نمی شود اما در صورت باقی ماندن طولانی مدت عرق بر روی پوست ناراحتی خاصی به نام عرق سوز شدن ایجاد می کند. برای جلوگیری و یا درمان آن فقط یک راه وجود دارد و آن شست و شوی مرتب بدن است. شست و شو علاوه بر برطرف کردن این مشکل، باکتری ها را نیز از سطح پوست برمی دارد و در نتیجه مانع از بروز بوی بد عرق می شود.

کسانی که از لباس های زیر (زیر پیراهنی و شورت) استفاده نمی کنند بیشتر در معرض گرمزدگی و یا عرق سوز شدن قرار دارند. هم چنین پوشیدن لباس های خیلی نازک نیز می تواند زمینه ساز گرمزدگی و عرق سوز شدن باشد.

نور آفتاب

یکی از تغییرات کاملاً محسوس در تابستان، شدت یافتن نور آفتاب است. همیشه در نور آفتاب سه گونه موج وجود دارد: پرتوهای مرئی که باعث دیده شدن اشیا می شوند. پرتوهای فرابنفش که برای پوست زیانبار هستند و باعث سرطان پوست می شوند. پرتوهای زیر قرمز (مادون قرمز) که باعث افزایش دمای داخلی اشیا و از جمله بدن انسان و به ویژه پوست می گردند.

در مورد هر یک از این پرتوها اقدامات زیر را انجام دهید:

● پرتوهای مرئی

اثرات سوء این پرتوها که با چشم ارتباط دارند با سه روش قابل کنترل است:

✓ قرار گرفتن در سایه

✓ استفاده از کلاه لبه دار، سایبان اتومبیل و...

✓ استفاده از عینک آفتابی

● پرتوهای فرابنفش

اثر سوء این پرتوها سرطان پوست است. راه مقابله با آن، پوشاندن تمام پوست بدن است. این کار با استفاده از کلاه لبه دار، کرم های ضد آفتاب برای صورت، پوشیدن لباس های آستین بلند و عینک ضد آفتاب که خاصیت جذب پرتوهای فرابنفش را دارند امکان پذیر است.

● پرتوهای مادون قرمز

این پرتوها باعث افزایش دمای بدن و آفتاب سوختگی می شوند. برای از بین بردن آثار زیانبار این پرتو استفاده از لباس های آستین بلند با رنگ های روشن و با ضخامت مناسب (نه خیلی نازک)، قرار گرفتن در سایه و خنک نگه داشتن بدن ضروری است.

نکته پایانی

افرادى که درای پوست روشن (سفید) هستند باید توجه بیشتر و کامل تری را منبجول نمایند.

سعی کنید در ساعات گرم روز (۱۳ تا ۱۵) از خانه و اتاق و محل های سایه و سقف دار و خنک خارج نشوید.

تابستانتان به گرمی دل هایتان باد.

بدن در یک واکنش طبیعی

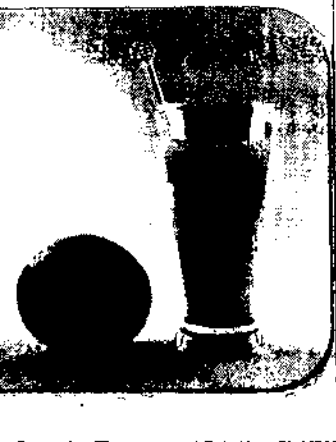
به منظور کاهش دما عرق

می کند (تعریق). این رفتار

بدن مهم ترین عاملی است

که فرد را از آستانه مرگ و

یا حتی مردن دور می کند



سپیده شهیدی

آشنایی با نرم افزار

مادل



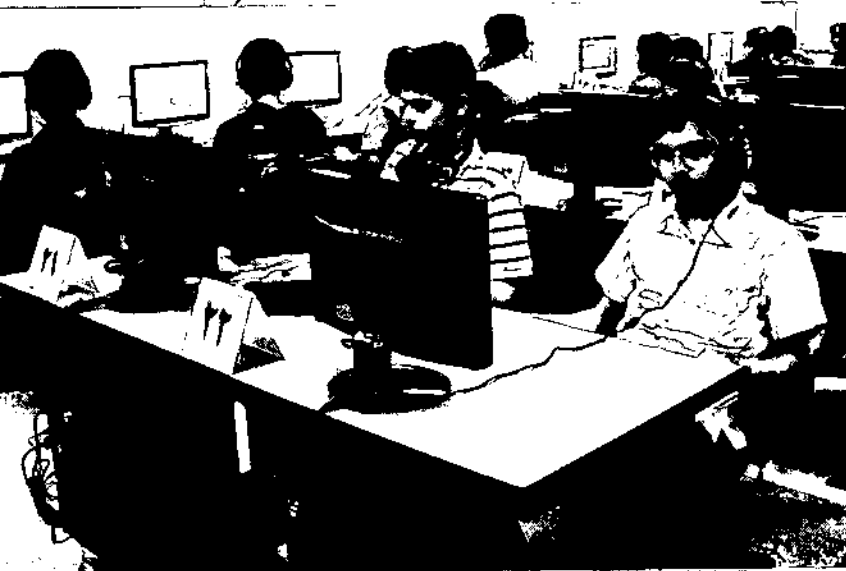
موارد استفاده مادل، بسیار متعدد و متنوع است. بعضی از امکانات مادل به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

- ✓ قرار دادن تکالیف؛
- ✓ اتاق مباحثه؛
- ✓ دانلود فایل؛
- ✓ امکان چت و گفت‌وگو؛
- ✓ تقویم آن لاین؛
- ✓ اخبار و اطلاعیه‌های آن لاین؛
- ✓ برگزاری امتحان آن لاین؛
- ✓ ویکی.

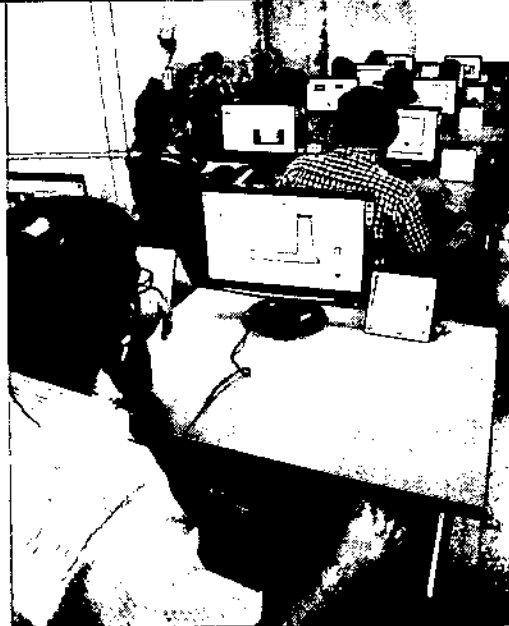
استفاده کنندگان از مادل می‌توانند پس از دانلود نرم‌افزار از سایت مادل^۲، بسته به نیاز خود، موارد دیگری را نیز به آن بیفزایند و آن را در شبکه قرار دهند. موارد اضافه شده می‌تواند شامل بخش‌هایی مانند: فعالیت‌ها (شامل بازی با کلمات و بازی ریاضی)، سوالات خاص (چندگزینه‌ای، صحیح یا غلط، جای خالی و...)، گرافیک، روش‌های تأیید هویت

یکی از نیازهای مراکز آموزشی وجود ابزارهایی است که به واسطه آن‌ها بتوان به گونه‌ای همه جانبه از طریق اینترنت، روند آموزش مستمر را چه در مدرسه و چه در خارج از آن بهبود بخشید. بسیاری از وبسایت‌ها یا وبلاگ‌های آموزشی نیز برای برآورده کردن همین نیاز شکل گرفته‌اند. یکی از ابزارهایی که اخیراً توسط تعداد زیادی از مراکز علمی و آموزشی دنیا مورد استفاده قرار گرفته است و بسیاری از نیازهای آموزشی را به بهترین نحو برآورده می‌کند، «مادل»^۱ است.

مادل، نوعی سیستم مدیریت آموزشی است که توسط بسیاری از مدارس و دانشگاه‌ها برای نمایش اطلاعات و مطالب درسی، استفاده می‌شود. این نرم‌افزار به صورت منبع باز^۲ عرضه شده؛ به این معنی که استفاده از آن برای همه رایگان است. این فناوری برای کمک به معلمان در جهت پر کردن شکاف دیجیتال میان آن‌ها و دانش‌آموزان و به منظور ارتقای سطح تدریس و یادگیری در کلاس درس طراحی شده است. امروزه مادل در میان مربیان سراسر جهان، به عنوان ابزار بسیار محبوبی در جهت ایجاد وبسایت‌های آموزشی آن لاین و پویا شناخته می‌شود.



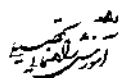
این فناوری اولین بار توسط «مارتین دوگیاماس» محقق استرالیایی، برای کمک به مربیان در ایجاد دوره‌های آن‌لاین، با تمرکز بر ساختار محتوایی مشارکتی و تعاملی ایجاد شد و تاکنون سیر تکاملی مناسبی را پیموده است



عرضه می‌کند. این نرم‌افزار ضمن دربر داشتن همه امکانات مودل، با داشتن قابلیت‌های استفاده از تقویم شمسی و میلادی، پشتیبانی همه جانبه از قالب راست به چپ، نمایش صحیح نمودارهای فارسی، غلط‌یاب املا فارسی، ویرایشگر فرمول و... به طور خاص برای کاربران فارسی زبان بومی‌سازی شده است. برای آشنایی بیشتر و استفاده از امکانات فودل، می‌توانید به سایت آن مراجعه کنید.

پی‌نوشت

1. Modular Object-Oriented Dynamic Learning Environment
2. Open source
3. www.moodle.org
4. Moodle Pty Ltd
5. www.foodle.org



(مانند نیاز به نام کاربری و رمز عبور)، روش‌های ثبت‌نام، فیلترهای محتوایی و... باشد.

ویژگی‌های مودل

پروژه مودل همیشه بر ارائه بهترین ابزار به مربیان برای مدیریت و ترویج یادگیری تمرکز داشته است. بعضی دلایل استفاده و محبوبیت مودل شامل موارد زیر است:

○ مودل دارای ویژگی‌هایی است که امکان می‌دهد آن را در مقیاس‌های بسیار بزرگ، مانند صدها هزار نفر دانش‌آموز، به کار برد و در عین حال می‌توان آن را برای مدارس ابتدایی تا دبیرستان استفاده کرد؛

○ بعضی از مؤسسات از مودل برای آموزش‌های آن‌لاین و راه دور استفاده می‌کنند؛ در حالی که بعضی دیگر به سادگی آن را در آموزش‌های چهره به چهره (روش سنتی) نیز به کار می‌برند؛

○ بسیاری از مراکز آموزشی برای پربار کردن یادگیری مشارکتی، به استفاده از واحدهای فعال مودل علاقه دارند (مانند اتاق‌های مباحثه، پایگاه‌های داده و ویکی‌ها)؛ در حالی که بعضی دیگر استفاده از مودل را به عنوان راهی برای ارائه محتوا به دانش‌آموزان و ارزیابی یادگیری با استفاده از تکالیف و یا آزمون‌ها ترجیح می‌دهند.

مودل تا اکتبر سال ۲۰۱۰، حدود پنجاه هزار سایت ثبت شده و ۳۷ میلیون کاربر در سراسر دنیا داشته است. این فناوری اولین بار توسط «مارتین دوگیاماس» محقق استرالیایی، برای کمک به مربیان در ایجاد دوره‌های آن‌لاین، با تمرکز بر ساختار محتوایی مشارکتی و تعاملی ایجاد شد و تاکنون سیر تکاملی مناسبی را پیموده است. پروژه مودل شامل چندین عنصر مجزا اما مرتبط است.

● نرم‌افزار؛

● یک شرکت استرالیایی که توسعه برنامه‌های مودل را به عهده دارد؛

● جامعه مودل؛ شبکه‌ای باز با میلیون‌ها کاربر ثبت‌نام شده که از طریق وب‌سایت مودل، با به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و اطلاعات، با پشتیبانی رایگان یا یکدیگر در تعاملند. این جامعه هم‌چنین شامل تعداد زیادی از توسعه‌دهندگان غیرمرکزی است که می‌توانند با مجوز رایگان طرح‌های جدیدی را به آن اضافه کنند و این امر مودل را به یک پروژه مشارکتی جهانی تبدیل کرده است.

مودل فارسی

اخیراً یک سایت فارسی به نام «فودل»^۵ راه‌اندازی شده است که کلیه امکانات نرم‌افزاری مودل را برای فارسی‌زبانان

آزمون‌های سرزده
رشد آفرین یا افت آفرین؟

دانش‌آموزان را برای شرکت
در بحث‌های کلاسی ترغیب
و تکالیف را با دقت بررسی
می‌کنم تا اشتباهات آن‌ها را
اصلاح نمایم

امتحان‌های اعتماد بنفس

آیا برگزاری آزمون‌های غیرمنتظره و غیرمتعارف
روش خوبی برای تنبیه کردن دانش‌آموزان است؟
مشغول مطالعه کتاب دکتر آلن مندلر^۱ با عنوان
«ارتباط با دانش‌آموزان»^۲ بودم. به صفحه‌ای^۳ رسیدم
که نوشته بود: «برگزاری آزمون‌های دشوار را متوقف
کنید. چنین آزمون‌هایی به ندرت عملکرد دانش‌آموزان
را ارتقا می‌دهند، در حالی که اضطراب بیش از اندازه
و غیرضروری ناشی از آن‌ها، اثرات مخرب زیادی بر
جای می‌گذارد. در واقع، موج ترس ناشی از یک آزمون
غیرمنتظره، می‌تواند یادگیری را مختل و حافظه را به
بن‌بست بکشانند. پیش از برگزاری، حتماً درباره نحوه
آزمون با دانش‌آموزان صحبت کنید. در حین برگزاری،

هدف و هنر اصلی ارزش‌یابی این است که بتواند معلم را برای کشف
این‌که دانش‌آموز چه چیزی را می‌داند یا قادر به دانستن آن‌هاست
کمک کند. اما متأسفانه بعضی از اوقات شاهد هستیم که همکاران ما
فراموش می‌کنند که قرار است ارزش‌یابی در خدمت یادگیری باشد
و زمینه‌ساز رشد اعتماد به نفس دانش‌آموزان. بر این اساس گاهی
بدون آگاهی قبلی دانش‌آموزان و بی‌توجه به شرایط دانش‌آموزان
امتحانات یا آزمون‌هایی را برای این‌که به دانش‌آموزان ثابت کنند
چیزی نمی‌دانند طراحی می‌کنند. سؤال اساسی این است که برگزاری
آزمون‌های سرزده و غیرمنتظره برای دانش‌آموزان رشد آفرین است
یا افت آفرین؟



زمان کافی را در اختیار آن‌ها قرار داده و در صورت نیاز به آن‌ها کمک کنید.»

آزمون‌های فوری

خاطرات سال‌های اولیهٔ معلمی را به یاد آوردم. تجربه به من نشان داده بود که برگزاری آزمون‌های غیرمتعارف برای تنبیه کردن دانش‌آموزان روش مناسبی نیست. در آن سال‌ها، همکاری داشتم که در موقعیت‌های متفاوت از این روش علیه دانش‌آموزان استفاده می‌کرد و برای این منظور مجموعه‌ای از سؤالات دشوار را طرح و ذخیره کرده بود. او از دانش‌آموزان انتظار داشت کاملاً آرام به کلاس وارد شوند، روی صندلی‌هایشان بنشینند و درس را یاد بگیرند، اما هرگز خواسته‌های خود را بر زبان نمی‌آورد. اگر از دانش‌آموزان رفتاری برخلاف قوانین و انتظارات ناگفته‌اش سر می‌زد، روش مخصوص خود را اعمال می‌نمود: برگزاری آزمون‌های فوری و دشوار برای تنبیه.

او هیچ وقت دربارهٔ این که قصد انجام چه کاری را دارد، توضیحی نمی‌داد. حتی تهدید هم نمی‌کرد. فقط با آرامش مجموعه سؤالات را در می‌آورد و از بین آن‌ها یکی را انتخاب کرده، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد. باید اعتراف کنم که من هم در سال اول تدریس منجم مجموعه‌ای را تهیه کرده بودم، اما آزمون‌های تنبیهی من هیچ وقت در برقراری نظم و سکوت، هم چنین یادگیری بهتر مؤثر نبودند. حالا کاملاً مطمئن هستم - البته در آن زمان هم می‌دانستم - که یادگیری نباید از طریق تنبیه کردن اتفاق بیفتد و حتی آن وقت هم به شیوهٔ برگزاری آزمون‌های تنبیهی اعتقاد نداشتم. هم اکنون به عنوان مادر یک نوجوان بیش فعال این گفته را تأیید می‌کنم که آزمون‌های غیرمتعارف به طور مخربی بر اضطراب دانش‌آموزان می‌افزایند. فاجعه زمانی رخ می‌دهد که این روش، به عنوان یک شیوهٔ کلاسی داری تداوم پیدا کند. اولین آزمون دشوار نمی‌تواند به اندازهٔ آزمون‌های بعدی اضطراب ایجاد کند. دختر من در اولین مواجهه با چنین آزمونی به آن اندازه آشفته نشد که بعد از آن هنوز هم همواره نگران برگزاری مجدد آزمونی مشابه است، حتی اگر هرگز چنین موردی اتفاق نیفتد. برای دانش‌آموزانی مانند او، همین اضطراب کافی است که یادگیری را با چالش روبه‌رو کند. او از احتمال مواجهه با یک آزمون غیرمنتظره و از پیش اعلام نشده در کلاس بعدی

بی‌قرار است و به همین دلیل نمی‌تواند بر موضوعات کلاسی که در آن حضور دارد، تمرکز یکنند. البته ممکن است این احساس در دانش‌آموزان دیگر به اندازهٔ دختر من حاد نباشد، اما بدون شک وجود دارد.

ارزیابی یادگیری

با دانستن این موضوع، ترجیح می‌دهم پس از آموزش یک فصل از کتاب یا خواندن داستانی کوتاه، آزمون‌های شفاهی برگزار کنم تا میزان یادگیری دانش‌آموزان را ارزیابی کرده باشم. تنها در سال اول تدریس از روش برگزاری آزمون‌های دشوار استفاده کردم و سپس برای همیشه آن را کنار گذاشتم. در عوض، برای ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان از شیوه‌هایی استفاده می‌کنم که اضطراب‌آور نباشند. به عنوان مثال دانش‌آموزان را برای شرکت در بحث‌های کلاسی ترغیب و تکالیف را با دقت بررسی می‌کنم تا اشتباهات آن‌ها را اصلاح نمایم. قبل از برگزاری آزمون، دانش‌آموزان می‌دانند چه انتظاراتی از آن‌ها دارم و چگونه باید برگهٔ امتحانی را جواب بدهند. آن‌ها دریافته‌اند که سؤالات در ارتباط با آموخته‌هایشان بوده و امتحان برای ارزیابی یادگیری است، نه تحت فشار قرار دادنشان.

من می‌دانم که بسیاری از همکاران خوب من که از قضا معلمان با سابقه‌ای هستند هنوز هم آزمون‌های دشوار برگزار می‌کنند؛ اما برای من روش‌های دیگر سودمندتر بوده است.

پی‌نوشت

1. Dr. Allen Mendler
2. Connecting with students
3. P. 56

منبع

مطلب فوق از مقاله‌ای با عنوان: «آیا آزمون‌های غیرمنتظره روش‌های خوبی هستند یا نه؟» (Pop Quizzes: Are They Good Practice?) نوشتهٔ دیان تریم (Diane Trim) در سال ۲۰۱۱ از وبگاه insidetheschool.com برگرفته شده است.



برگزاری آزمون‌های دشوار را متوقف کنید. چنین آزمون‌هایی به ندرت عملکرد دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهند، در حالی که اضطراب بیش از اندازه و اثرات مخرب زیادی بر جای می‌گذارد

حسین افصح



فردای شب

من امیدوار بودم که موضوع تنها یک ضربدیدگی کوچک باشد و بس که... نبود.

کم کم درد زیاد شد و دختر کوچکم شروع کرد به پیچ و تاب خوردن. نمی خواست با ناله خود پدرش را نگران کند اما درد امان نمی داد. با همه خودداری دخترم، عاقبت راهی بیمارستان شدیم. در تصاویر، نشانی از شکستگی کوچکی در انگشت چهارم پای راستش دیده می شد. فردای آن شب پای پرندۀ کوچک من گچ گرفته شد. از نوک پا تا زیر زانو. وقتی لنگ زدنش را دیدم، قبل از هر چیز با خودم فکر کردم: چگونه این کوچک پر نشاط من دو هفته تمام، یک جا نشستن و ندویدن و پرواز نکردن را تحمل خواهد کرد؟

اما چه خیال خامی!

چرا که فردا شب و در بازگشت از مدرسه با تعجب تمام دیدم که دخترم هم چون شب های گذشته، لنگان لنگان دور اتاق ها می دود و می پرد. با چنان سرعتی که یک دم با خود گفتم بد نبود اگر سرعت دویدنش را اندازه می گرفتم و با قبل از این حادثه مقایسه می کردم تا ببینم آیا از سرعت او چیزی کاسته شده است یا نه؟

وقتی در را باز کردم، دخترم جلویم ایستاده بود. با شیطنت به من لیخند می زد و سعی می کرد یک بستنی بزرگ را با تمام قدرت با دهان کوچکش ببلعد. گفتم: بستنی؟ بدون بابا؟ کیف را همان دم در گذاشتم و دویدم به دنبالش. چند باری دور اتاق ها چرخیدیم، یکدیگر را صدا زدیم و در تعقیب و گریز، شکست و پیروزی را تجربه کردیم... تا این که پای پروانه کوچکم به گوشۀ همان کیف دم در گرفت و نشست. وقتی بالای سرش رفتم، دخترم از درد به خود می پیچید. انگشت کوچک پایش کمی کج شده بود و

صدای بازی و خنده او و برادرش تمام خانه را پر کرده بود. روی میل نشستیم و محو شادی آن‌ها شدیم.

پسرم می‌دوید، سروصدا می‌کرد و می‌خندید. همسرم کلافه شده بود و مدام به دخترم تذکر می‌داد که روی پای گچ گرفته این چنین بی‌محبا ندود و من لذت می‌بردم از این که پروانه‌ام می‌چرخد و می‌خندد و از بابا دل می‌برد. با خود فکر کردم که راستی مگر زندگی غیر از این است؟

در جلسه انجمن اولیا و مربیان پایه سوم نشسته بودم. در میانه بحث، یکی از نمایندگان اولیا از من پرسید: آیا شما از میزان و نحوه شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های پژوهشی آمار می‌دارید؟ پاسخ من مثبت بود. او در ادامه پرسید که آیا به دانش‌آموزان شرکت‌کننده، از نحوه عملکردشان بازخوردی داده می‌شود؟ باز هم پاسخ من مثبت بود.

سپس پرسید آیا برای دانش‌آموزانی که در این برنامه‌ها شرکت نمی‌کنند برنامه‌های تدارک دیده‌اید؟ چگونه آن‌ها را برای انجام فعالیت‌هایی از این دست ترغیب می‌کنید؟ از لحن بیان وی پیدا بود که سوالات قبلی هم اگر طرح شده برای رسیدن به همین سؤال آخر بوده است. من در پاسخ گفتم: ما برای افرادی که در این برنامه‌ها شرکت نکرده‌اند، هیچ کاری نمی‌کنیم. با تعجب پرسید: پس این دانش‌آموزان چه کار می‌کنند؟

گفتم: زندگی می‌کنند. راه می‌روند، غذا می‌خورند، دست در گردن رفیقشان می‌اندازند، نماز می‌خوانند و یادشان نمی‌رود شب که به منزل رفتند به پدر و مادرشان با محبت و علاقه سلام کنند و به ایشان «خسته نباشید» بگویند. چیز بیشتری می‌خواهید؟ چرا باید حتماً فرزند ما در یک مسابقه شرکت کند یا در رقابتی فشرده مقامی کسب کند یا پژوهشی انجام دهد یا تقدیرنامه‌ای به منزل بیاورد تا باور کنیم که او زنده است و زندگی می‌کند و عزیز و موفق است؟

گاهی با خود فکر می‌کنم که در آن لحظات سنگین گذر سؤال و جواب که دست و زبانم از طفره رفتن عاجز است، آیا وقتی از حق فرزندم بر من می‌پرسند، از معدل نیم‌سال اول سال اول راهنمایی‌اش خواهند پرسید یا از نمراتی که برپا می‌داشت و از آن لذت می‌برد؟ از نمره ریاضی‌اش خواهند پرسید یا از صداقت و امانت‌داری‌اش؟ از رتبه او در این کنکور لعنتی خواهند پرسید یا از عشقی که به طبیعت داشت و پرندهای که به دنبالش می‌دوید و خدایی که همین نزدیکی‌ها بود و او در هر بهار با تمام وجود در میان علفزار آن را حس می‌کرد؟

کی زمان آن می‌رسد تا بدانیم زندگی بسیار بزرگ‌تر و شیرین‌تر از رقابت‌های اعتباری و ناچیزی است که ما برای سرگرمی خود تعریف کرده‌ایم و سخت هم گرفتارش شده‌ایم؟

کی زمان آن می‌رسد که با شجاعت بگوییم: من نمی‌خواهم فرزندم شاگرد اول شود! من می‌خواهم فرزندم زندگی کند، کودکی کند و از آن لذت ببرد.

کی زمان آن می‌رسد که بترسیم از این که فرزندانمان را نمی‌بینیم که می‌دوند و می‌خندند و از برابر چشمان خسته و بی‌احساس ما می‌گذرند، بی‌آن که ردی از آن همه شور و شوق در ذهن یخ‌بسته و رقابت زده ما نقش بندد.

دریغ از این همه ثانیه‌ها که می‌آیند بی‌هیچ رغبتی و می‌گذرند بی‌هیچ لذتی.

ما یک بار برای خودمان زندگی کرده‌ایم. پدران ما نیز یک بار برای خودشان زندگی کرده‌اند. بگذاریم فرزندانمان نیز برای خودشان زندگی کنند.

آن‌ها تنها یک بار فرصت زندگی دارند. این شانس بیش از یک بار به کسی داده نمی‌شود. نه قبل از این داده شده و نه بعد از این داده خواهد شد. تناسخ ارواح را باور نکنید؛ زیرا دلخوشکنک جماعتی است که جاودانگی دنیای خود را با خیال تضمین می‌کنند.

فرزندان ما حق دارند که باورهای خود را داشته باشند. ایشان برابر ذهنیت‌ها و باورهای ما نیستند.

نگاه ایشان به خدایشان، به دنیایشان و به طبیعتی که آنان را احاطه کرده متعلق به خودشان است. ما وظیفه‌ای داشته و داریم. همان کاری را که به عهده ما گذاشته شده به شکلی مناسب انجام دهیم؛ نه کم و نه زیاد. وظیفه ما این نیست که به جای ایشان زندگی کنیم، به جای ایشان فکر کنیم و به جای ایشان عمل کنیم.

پیروزی‌های ما متعلق به خود ماست و شکست‌های ما هم تاریخ خود ما. بگذاریم فرزندانمان بر خیزند و مبارزه کنند، شکست بخورند و پیروز شوند. نخواهیم که همیشه پیروز باشند. زندگی بدون شکست لطفی ندارد. نمی‌توان در هر وعده به جای غذایی که گاهی شور است و گاهی شیرین، گاهی تلخ و گاهی ترش، کیک خامه‌ای خورد. زندگی اگر لبریز از پیروزی باشد، چیز بی‌مزه‌ای می‌شود.

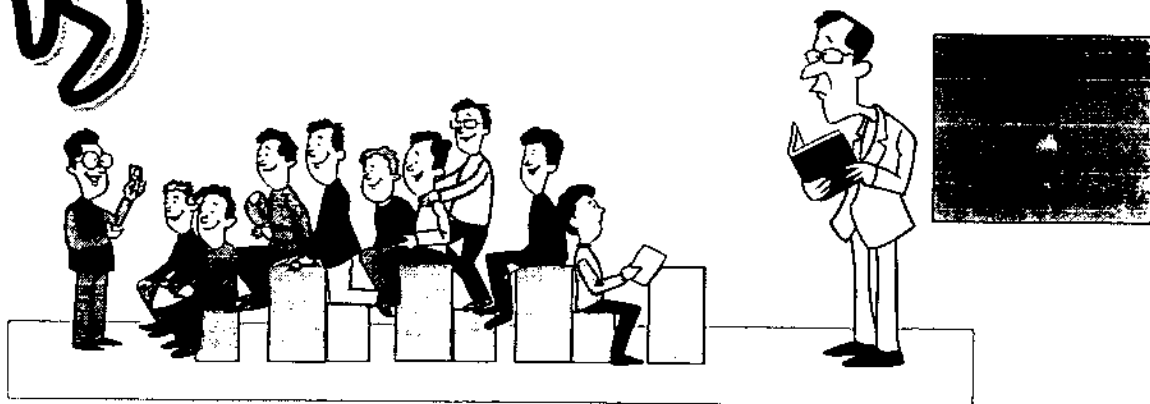
شکست‌ها و پیروزی‌های فرزندان ما متعلق به ایشان است.

از ایشان بخواهیم که آن را برای خود نگاه دارند؛ چون نه مال ماست و نه مال فرزندان ایشان.

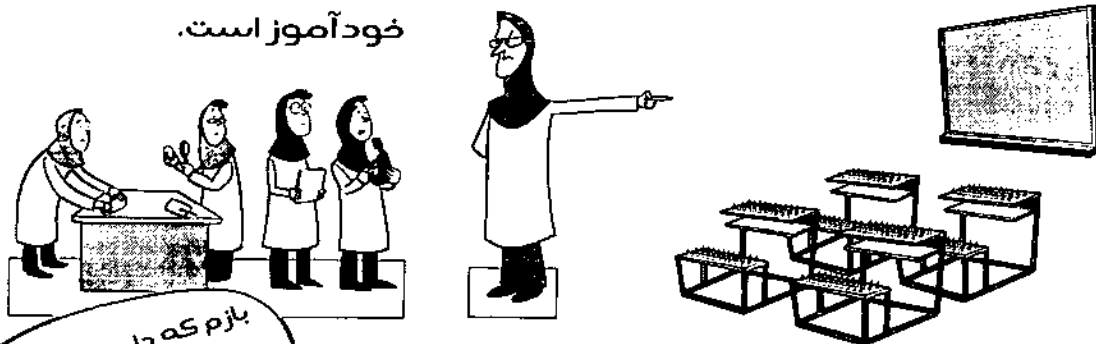
به کوشش محمد شاکر، مهدی رضاییان

دانشگاه

از آموزش در مدرسه لذت می‌برد.



خود آموز است.



بازم که دارین وقت تلف
می‌کنین!
زود برگردین سر کلاس،
درساتون عقبه.

ورزشکار است.



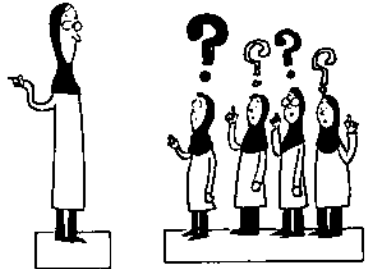
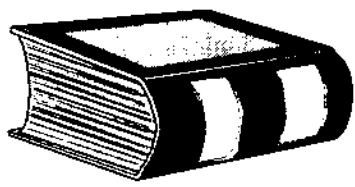
گزارش



از آینده خود تصویر ذهنی روشنی دارد.

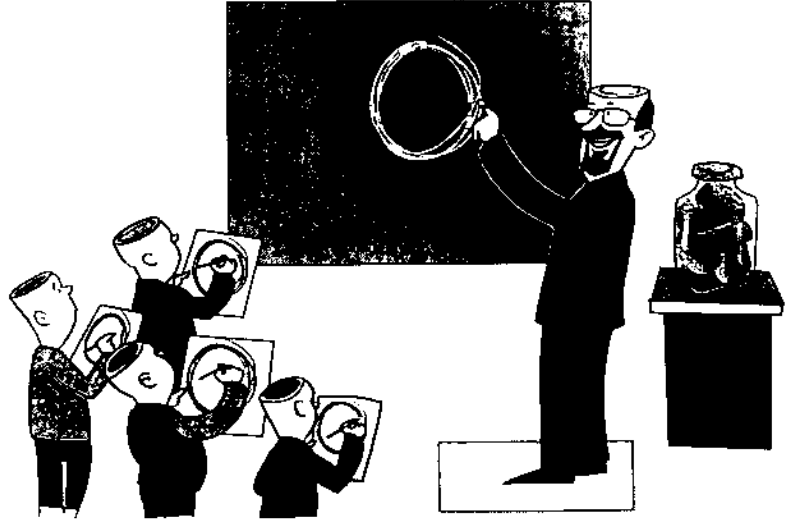


پرسشگر است.



متفکر است.

۱۴۴ بار این دایره رو دور بزنین.



گاشت نهال در ماه مهر

فاطمه خرقانیان

مدرسه که شدم، موجی پرتلاطم و خروشان از لبخندهای نشسته بر لبان بچه‌ها، حال دلم را توفانی کرد؛ باران عاطفه می‌بارید در جشن عاطفه‌ها!

به محض ورودم به حیاط مدرسه، دانش‌آموزان از چند سو مرا احاطه کردند و با دقت و حساسیت به جایگاه خبرنگاران هدایت نمودند. دیگر سوی حیاط، محل استقرار دریافت هدایای جشن بود که چند نماینده دانش‌آموزی، مدیریت و سامان‌دهی آن را بر عهده داشتند. وقتی که مسئولان مدعو در مدرسه حاضر شدند، زنگ جشن عاطفه‌ها به صدا درآمد.

شروع جشن با «مشارکت همه بچه‌ها» کلید خورد که یک صدا می‌خواندند:

سرفراز باشی میهن من
ای فدایت جان و تن من
پر بهاتر از هر گوهر
خاک پاک تو وطن من
ایران، ایران، ایران...

نام ایران که می‌آمد، گویی تنها نقطه مشترکی را فریاد می‌زنند که محبتش در بند بند وجودشان رسوخ کرده، دست بر قلب خویش می‌نهادند و با ضرب‌آهنگ دل، می‌خواندند:

دوستت دارم سرزمین من
دوستت دارم بهترین من

بهانه‌های شادی

سخنرانی جزء اجتناب‌ناپذیر همه جشن‌های ماست. مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در گفته‌هایش دو مسابقه طرح کرد: نخست از بچه‌ها خواست تا سه نکته از نامه معروف امام علی (ع) به مالک اشتر را ذکر کنند. نامه‌ای که به هنگام استانداری مصر به مالک نوشته شده و به عنوان «منشور برابری و احسان» جزو اسناد «سازمان ملل» قرار گرفته است. دوم خواست تا ترجمه آیه «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» را در جشن بگویند و جایزه بگیرند. فردای جشن عاطفه‌ها ولادت حضرت معصومه (س) و روز دختر بود. مدیرکل به این بهانه هدیه‌ای برای دختران مدرسه



روز موعود

صدای هیاهو بلند بود. اصوات گوناگون به هم می‌پیچید و سکوت اطراف مدرسه را درهم می‌شکست. هر کس از خیابان مجاور مدرسه شهید همت عبور می‌کرد، درمی‌یافت که امروز، این جا، خیری است. وارد حیاط



شهید همت داشت... یک اردوی شهید!
 البته رتبه اول علمی بچه‌ها در سطح منطقه ۱۵ نیز
 دلیل مضاعفی برای این هدیه بود.
 با شنیدن این خبر شوری در کالبد مدرسه جوشید و
 قریادهای شاد و بی‌امان بچه‌ها اندام رخوت و خمودی را به
 لوزه افکند... یک رضایت‌مندی عمومی در چهره‌ها نمایان
 شد. شاید به این بهانه که مدرسه‌شان به عنوان مدرسه‌ای
 خوب مطرح شده بود، شاید به خاطر تقدیری که صورت
 گرفته بود و این شاید ناشی از نشاط یک جشن بود و فقط
 همین! هر چه بود پروانه امید بود که بر پنجره‌های کلاس
 مدرسه شهید همت می‌نشست...

مربیان مدرسه، برنامه‌ریزی و تقسیم کار مربوط به جشن را
 بر عهده می‌گیرند.

در این میان نقش اولیای مدرسه چیست؟
 هدایت و نظارت بر جریان امورا

در فرصت باقی مانده، چند نشست دیگر برگزار و کارهای
 صورت گرفته مشاهده و آخرین جمع‌بندی‌ها انجام می‌شود
 و روز موعود فرا می‌رسد...

مدرسه زندگی

اکنون چند روز از جشن عاطفه‌ها می‌گذرد... همه چیز
 به حالت قبل برگشته، کلاس، امتحان، تدریس...
 اما هم‌چنان نشستی در مدرسه برقرار است!
 آیا دوباره جشنی در پیش است؟

خاتمه یافتن جشن عاطفه‌ها، پایان راه نیست، بلکه
 آغازی است برای ارزیابی و نقد فعالیت‌های صورت گرفته و
 به چالش کشیدن تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده...
 شاید که می‌خواهند روحیه خود را تقویت کنند... روحیه
 انتقادپذیری!

تیم قبلی در نشستی نقاط ضعف و قوت خود را
 می‌سنجد. مدیر مدرسه از حسن برنامه‌ریزی و اجرای
 بچه‌ها تشکر می‌کند و می‌گوید که «بچه‌ها خیلی خوب کار
 کردید»، یک جمله می‌گوید. اما او نهال می‌کارد...
 پنداره مثبت بچه‌ها را تقویت می‌کند، روحیه مشارکت
 و تعاون را که در این مدت جوانه زده و شکل یافته، جانی
 دوباره می‌بخشد و دستی به سر و گوش حس نوپای انفاق و
 ایثار می‌کشد.

او مدرسه می‌سازد... با پیوند ابعاد مثلثی که اضلاعش
 مدرسه، والدین و دانش‌آموز است، مدرسه‌ای می‌سازد، که
 نامش مدرسه زندگی است.

پشت پرده: مشارکت جمعی

وقتی که سخنرانی‌های پایایی، یکی پس از دیگری ایراد
 می‌شد، بچه‌ها را می‌دیدم که چگونه نسبت به وجهه مدرسه
 خود احساس مسئولیت می‌کنند. یکی به دوستش تذکر
 می‌داد که در برابر حضار خوراکی نخورد، دیگری تکه کاغذی
 را که در حیاط افتاده بود برمی‌داشت، آن سوتر دانش‌آموزی
 با اشاره، دوستش را به سکوت فرامی‌خواند. انگار که هر کس
 خود را در مدیریت امور سهیم می‌دید، مدیریتتی نانوشته!

وقتی پس از چند سخنرانی، نوبت به رییس جامعه
 خیرین مدرسه‌ساز رسید، او از تعداد فعالیت‌های خیر
 انجام شده می‌گفت، اما من قطره اشکی جاری بر گونه
 دخترکی را می‌دیدم که جوانه انفاق را آبیاری می‌کرد و لبان
 خشکیده دیگری را می‌دیدم که در عطش همیاری کودکی
 می‌سوخت...

پایان سخنرانی‌ها، پایان این بزم بود. یک سوی ماجرا،
 مدعوینی بودند که به سمت جایگاه اهدای هدایا می‌رفتند
 تا هر کدام محبت خود را نثار کودکانی کنند که نیازشان
 محکی بر نوع دوستی ماست. دیگر سو، دستان کوچکی
 بودند برای دریافت هدایا و چشمانی نظاره‌گر که در سکوت،
 «انسانیت»، «مشق» می‌کردند...

یک مثلث کارا

به عقب برگردید. شاید چند ماه پیش تر. مربیان مدرسه
 شهید همت می‌خواهند در ماه‌های آتی، جشن عاطفه‌ها برپا
 کنند، اما چگونه؟

آنان به تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت برای
 این گونه جشن‌ها، بدون حضور دانش‌آموزان، نه گفته‌اند!
 اما روش مدرسه!

اولیای مدرسه از شورای تربیتی، شورای دانش‌آموزی و
 نمایندگان هر کلاس، می‌خواهند تا با حضور مدیر، معاون
 پرورشی و معاون آموزشی، نشستی درباره جشن برگزار کنند
 و پیشنهادها ارائه و جمع‌آوری شود.

ولی قصه به همین جا ختم نمی‌شود!

نقش اول نشست دوم، «نمایندگان انجمن اولیا» هستند،
 که با ورود خود به میدان، به اتفاق نمایندگان دانش‌آموزی و



مهارت‌های شایستگی معلمی

بعضی از معلمان کلاس درس را یک ساختار رسمی یا سلسله مراتب اقتدار در نظر می‌گیرند. این معلمان بر رعایت قواعد و مقررات، نظم و انضباط دقیق، استفاده از قدرت رسمی و انتقال مطالب درسی تأکید می‌ورزند. معلمان معتقد به روابط انسانی، کلاس درس را یک گروه اجتماعی تلقی می‌کنند و بر روابط دوستانه، صادقانه و صمیمی اصرار دارند و بیشتر از قدرت شخصی یعنی تخصص، جذابیت و مرجعیت استفاده می‌کنند. معلمان معتقد به دیدگاه سیستمی کلاس را یک سیستم باز در نظر می‌گیرند که در کنش و واکنش با محیط بیرونی است. این‌گونه معلمان به ساختار رسمی و سازمان غیررسمی هر دو توجه دارند. از انواع اقتدار، با توجه به شرایط و اقتضای موقعیت، بهره می‌برند. این معلمان کلاس درس را یک سیستم باز در نظر می‌گیرند و بر ایجاد ارتباط با اولیای دانش‌آموزان و درگیر نمودن آن‌ها در تعلیم و تربیت فرزندانشان تأکید می‌کنند.

در مقاله دوم، باورهای معلم درباره خودش در قالب مفهوم خودکارآمد پنداری پرداخته شد. «کارآمدی معلم»، «حساس کارآمدی معلم» و «خودکارآمدی معلم» به عنوان باور معلم نسبت به توانایی‌اش در تأثیر گذاردن مثبت بر یادگیری دانش‌آموز، «باورهای معلمان درباره مهارت‌ها و توانایی‌هایشان در دستیابی به نتایج مطلوب یادگیری توسط دانش‌آموزان» یا «قضاوت معلم درباره توانایی‌ها و

معلم برای این که کار خود را به طور مؤثر انجام دهد، هم‌چون سایر پیشه‌ها نیازمند شایستگی‌های ویژه است. او با تعلیم و تربیت دانش‌آموزان سروکار دارد، اما «تعلیم و تربیت، بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است». (کانت، ۱۳۷۴) بنابراین نمی‌توان چنین امر خطیری را بر عهده شخصی گذاشت که صلاحیت لازم را برای این امر نداشته باشد. پس معلم باید صلاحیت‌هایی داشته باشد تا بتواند مسئولیت خطیری را که بر عهده اوست، به نحو احسن انجام دهد.

عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش

طی چند مقاله‌ای که در شماره‌های قبلی از نظر خوانندگان گرامی گذشت، سعی شد تا عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش معرفی شود. در مقاله اول برخی باورهای غیرمنطقی معلمان معرفی و اشاره شد که می‌توانند باعث برانگیختن سریع و حتی آشفتنی آن‌ها در برابر رفتارهای دانش‌آموزان و در نتیجه بروز واکنش نامناسب در معلمان شوند. معلمان با توجه به نگرش، دانش، بینش و تصوراتشان از تعلیم و تربیت، روش‌ها، اهداف آموزشی، ساختار سازمان، اقتدار و مفهوم مدیریت، به کلاس درس به گونه‌ای خاص نگاه می‌کنند. به طور کلی مدیریت کلاس درس با توجه به نظریات کلاسیک، روابط انسانی و یا سیستمی انجام می‌شود.



قابلیت‌هایش در رسیدن به نتایج مطلوب در یادگیری و فعالیت دانش آموز، حتی در مورد دانش‌آموزانی که مشکل‌دار یا بی‌انگیزه هستند» تعریف شده است. هر چه کارآمدی فردی و عمومی تدریس معلمان بالاتر باشد، نمرات پیشرفت دانش‌آموزان هم بالاتر است. علاوه بر این، کارآمدی معلم به انگیزش و نگرش دانش‌آموزان به موضوع درسی بستگی دارد. معلمان با کارآمدی بالا قادرند بر انگیزه دانش‌آموزان در خصوص یادگیری تأثیر گذاشته و در نتیجه کارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان هم افزایش می‌یابد. هم‌چنین معلمان با احساس کارآمدی قوی نسبت به ایده‌های جدید باز بر خورد می‌کنند. این‌گونه معلمان با نوآوری‌های آموزشی سازگاری بیشتری نشان می‌دهند، رویکردهای تدریس مختلفی را به کار می‌برند و برای تأمین و برآورده ساختن نیازهای دانش‌آموزان روش‌های بهتری را می‌یابند.

در چند مقاله، برخی ویژگی‌های معلمان اثربخش معرفی شد. ویژگی‌های معلم صفات نسبتاً ثابتی هستند که با فعالیت‌های حرفه‌ای معلمی مرتبط بوده و بر آن مؤثر است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: تعهد، اعتماد، اعتبار، احترام، تفکر تحلیلی، تفکر مفهومی، انگیزه برای پیشرفت، جست‌وجوگر اطلاعات، ابتکار عمل، انعطاف‌پذیری، مسئولیت/ پاسخ‌گویی، اشتیاق به یادگیری (شور و شوق آموختن)، انحدار علمی، علاقه و اشتیاق نسبت به موضوع مورد تدریس، علاقه به دانش‌آموزان و شوخ‌طبعی.

علاوه بر ویژگی‌هایی که اشاره شد، برخی مهارت‌های ارتباطی وجود دارد که با یادگیری و تسلط بر آن‌ها می‌توان بر خورد مؤثرتری با دانش‌آموزان داشت. مهارت‌ها و روش‌هایی که برای کارایی بیشتر معلمان طی چند مقاله آتی (در سال تحصیلی آینده) ارائه خواهد شد، زمان بیشتری را برای تدریس موضوع خاصی که به عهده دارند، به خود اختصاص می‌دهند. هم‌چنین با روش‌های معرفی شده فرصت مضاعفی به وجود می‌آید تا در آن آموزش واقعی جریان یابد. بدین ترتیب در هر مقاله حداقل یک مهارت جدید را معرفی خواهیم کرد که تأثیر هر کدام از آن‌ها توسعه چیزی است که آن را «زمان تدریس- یادگیری» یا «یاددهی- یادگیری» می‌نامیم؛ یعنی اوقاتی را که معلمان از طرف دانش‌آموزان فرصت می‌یابند درس دهند (کار خودشان را بکنند) و دانش‌آموزان از طرف معلمان خود به یادگیری ترغیب شوند.



خودسازی هیجانی

طرح درس یک جلسه آموزشی
برای کسب مهارت آگاهی هیجانی

ناهید قنبرزاده علمداری



اساسی ترین مهارت هوش هیجانی، مهارت خود آگاهی هیجانی است. خود آگاهی یعنی توانایی شناخت موقعیت های مؤثر بر هیجانات، تغییرات بدنی، افکار و واکنش های معمول ما نسبت به آن ها. درک این که در موقعیت های متفاوت به چه نوع واکنشی تمایل داریم یا احتمال وقوع کدام رفتار واکنشی در ما بیشتر است، مدیریت این رفتارها را امکان پذیر تر می کند. آگاهی از تغییرات بدنی به هنگام وقوع هیجانات خاص، مانند زنگ خطری است که میزان هوشیاری ما را افزایش می دهد و هوشیاری بالا نیز امکان رفتارهای تکانشی و ناخود آگاه را کم می کند. و بالاخره درک منطقی بودن یا نبودن افکار پیش از وقوع هیجانات و یا حین آن، یکی از راهکارهای اصلی مدیریت هیجانات است. در ضمن آشنایی با هیجانات خود، به ما کمک می کند تا هیجانات دیگران را نیز بهتر درک کنیم.

با توجه به این که مدرسه و کلاس درس یکی از بسترهای مهم فراگیری و تمرین مهارت های هوش هیجانی است، کسب مهارت آگاهی هیجانی از طرف اولیای مدرسه و دانش آموزان در ارتقای سطح تعاملات اثربخش بسیار ضروری است. طرح درسی که ملاحظه می کنید طی یک جلسه آموزشی اجرا شده و امکان تمرین این مهارت را برای دانش آموزان فراهم می کند.

انتظارات آموزشی

- یافتن الگوی هیجانی خود؛
- شناسایی موقعیت ها و هیجانات خاص این موقعیت ها؛
- فراهم سازی فضای گفت و گوی هیجانی در خانواده.

تکلیف منزل

جدول تکلیف ۱-۲ شامل نظرسنجی از اولیا و دوستان در مورد هیجاناتی که بیشتر تجربه شده و هیجاناتی که کمتر تجربه شده. دانش آموزان می بایست دو مورد از هیجاناتی را که بیشتر تجربه کرده اند و دو مورد از هیجاناتی را که کمتر تجربه کرده اند در این جدول یادداشت کنند و بدون آن که جدول را به کسی نشان دهند، نظر افرادی را که در جدول آمده بپرسند و پاسخ را خودشان در جدول ثبت کنند. به عنوان مثال، اگر دانش آموزی هیجان عصبانیت را بیشتر تجربه کرده است از پدر، مادر و دوستانش سؤال می کند که «به نظر شما من چه قدر فردی عصبانی محسوب می شوم؟» و پاسخ را در جدول ثبت می کند.

شرح مفصل فعالیت ها

در گام اول دانش آموزان در مورد جدول ثبت هیجانات هفتگی خود گفت و گو می کنند و به بیان تجارب و نتایج کار خود می پردازند. سؤالات محتوایی زیر ما را به اهداف این جمله نزدیک تر می کند.

✓ کدام هیجانات کمتر اتفاق افتاده است؟

✓ کدام هیجانات بیشتر اتفاق افتاده است؟

✓ به نظر شما فایده این ثبت هیجانات چیست؟

✓ کدام هیجان اصلاً اتفاق نیفتاده؟ ممکن است

اتفاق افتاده باشد ولی ما به آن توجه نداشته ایم؟ (به عنوان مثال اگر دانش آموزان هیجان دوست داشته شدن را اصلاً ثبت نکرده باشند، از طریق سؤالاتی می توان آن ها را به این سمت راهنمایی کرد که این هیجان اتفاق افتاده ولی ما به آن دقت نکرده ایم.)

✓ آیا در موقعیت های خاص هیجانات خاصی رخ داده است؟ به عنوان مثال هیجان شادی در مدرسه بیشتر و در منزل کمتر؟ در این صورت چرا؟

در گام دوم دانش آموزان ۳ مورد از موقعیت هایی که هیجان خاص تجربه شده را روی یک طرف برگه های ۱۰×۵ می نویسند و طرف دیگر برگه، هیجان تجربه شده را یادداشت می کنند و این برگه ها را به مجری طرح تحویل می دهند.

در گام سوم مجری موقعیت ها را یکی یکی می خواند تا دانش آموزان هیجان مرتبط با آن را در برگه بازی هیجانی خود علامت بزنند (در صورتی که این هیجان در برگه بازی آن ها موجود باشد). این مرحله آن قدر ادامه می یابد تا دانش آموزی بتواند یک ردیف از هیجانات برگه بازی خود را پر کند. در صورت داشتن زمان کافی، بازی ادامه پیدا می کند تا یک نفر تمام ردیف های افقی را پر کند. در صورتی که موقعیت های نوشته شده توسط دانش آموزان

کافی نباشد، خود مجری موقعیت های خاصی را اضافه می کند. (باید به دانش آموزان متذکر شویم که در برنده شدن این بازی مانند بازی دبلنا شانس هم دخالت دارد.)

نمونه های از اظهارات دانش آموزان پس از ثبت هیجانات

* من فکر کردم آدم شادی هستم ولی حالا فهمیدم آن قدرها هم شاد نیستم.

* من متوجه شدم توی مدرسه احساس شادی و نشاط بیشتری دارم.

* من فهمیدم که توی خانه بیشتر پر خاشگر و عصبانی هستم.

* این کار باعث شده برادر کوچکترم هم علاقه مند شود هیجانات خود را ثبت کند.

* من فکر می کردم اصلاً آدمی عصبانی نیستم اما حالا متوجه شده ام که چرا، گاهی من هم عصبانی می شوم.



شماره ۸ اردیبهشت ۱۳۸۱
دوره ۱۷

برگه‌های ثبت هیجانات، برگه‌های سفید ۵×۱۰، صفحه بازی دبلنای هیجانی

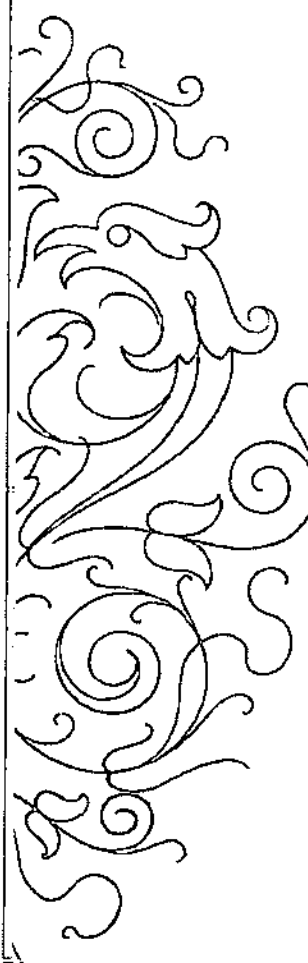
زمان	فعالیت‌های دانش‌آموزان	فعالیت‌های معلم
۲۰	دانش‌آموزان از هیجانات، موقعیت، تغییرات بدنی و افکار خود صحبت می‌کنند.	دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا از تجارب خود طی یک هفته مراقبه و ثبت هیجانات‌شان (تکلیف جلسه قبل) گفت‌وگو کنند.
۱۵	دانش‌آموزان سه مورد از هیجاناتی را که طی هفته قبل کمتر تجربه کرده‌اند و سه مورد از هیجاناتی را که بیشتر تجربه کرده‌اند در نظر گرفته و در برگه‌های ۱۰ در ۱۵ با توجه به دستورالعمل یادداشت می‌کنند. (دانش‌آموزان می‌بایست در یک طرف برگه موقعیت و در طرف دیگر آن هیجانی را که تجربه کرده‌اند یادداشت کنند.)	ارائه کاغذهای ۱۰ در ۱۵ به دانش‌آموزان و توضیح تمرین این مرحله
۲۰-۳۰	هر دانش‌آموز یک برگه بازی هیجانی دارد (که ضمیمه است) و طبق دستورالعمل بازی اجرا می‌شود. هر دانش‌آموز که بتواند یک ردیف از هیجانات برگه خود را پر کند، برنده مرحله اول بازی است و بازی ادامه می‌یابد تا یک نفر بتواند هر چهار ردیف افقی هیجانات را در برگه پر کند. (توجه داشته باشید که هیچ یک از برگه‌های بازی نباید مشابه باشد اما همگی می‌بایست تعداد برابری از هیجانات را شامل شود.)	جمع‌آوری برگه‌های مرحله قبل برای استفاده در بازی و ارائه برگه‌های بازی هیجانی و توضیح آن به دانش‌آموزان

فعالیت ۱-۲ بازی دبلنای هیجانی

غرور	شادی		دوست‌داشتن	نگرانی	بی‌تفاوتی	خشم
دوست‌داشتن	خشم	رنجش	غم	شادی		افتخار
	چندش	اضطراب	بی‌تفاوتی	ترس		حسادت
استرس		حسادت	ترحم	اشتیاق	بی‌تفاوتی	

فعالیت ۱-۲ دبلنای هیجانی

	شادی	ترس	دوست‌داشتن	نگرانی	بی‌تفاوتی	
دوست‌داشتن	خشم	رنجش		شادی	عصبانیت	افتخار
احساس گناه		اضطراب	بی‌تفاوتی	ترس		حسادت
استرس	عصبانیت	حسادت		اشتیاق	بی‌تفاوتی	دوست داشته شدن



فعالیت شماره ۱-۲

خشم	بی تفاوتی	نگرانی	دوست داشتن	ترس	شادی	غرور
افتخار	عصبانیت	شادی	غم	رنجش	خشم	دوست داشتن
حسادت	استرس	ترس	بی تفاوتی	اضطراب	چندش	احساس گناه
دوست داشته شدن	بی تفاوتی	اشتیاق	ترحم	حسادت	عصبانیت	استرس

تکلیف ۱-۲ نظر سنجی هیجانی

سه هیجانی که بیشتر از همه تجربه کرده ام	مادر			پدر			دوست داخل مدرسه			دوست خارج از مدرسه		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱.												
۲.												
۳.												
سه هیجانی که کمتر از همه تجربه کرده ام	مادر			پدر			دوست داخل مدرسه			دوست خارج از مدرسه		
	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد	کم	متوسط	زیاد
۱.												
۲.												
۳.												

دانش آموزان توصیفی ارزش یابی دوست دارند

نگاہ دانش آموزان به ارزش یابی توصیفی چگونه است؟ آیا این ارزش یابی تأثیر مثبتی بر روند آموزش خواهد گذاشت، و آیا در تقویت انگیزه یادگیری، مؤثر واقع خواهد شد؟

آیا این ارزش یابی می تواند تأثیری بر ارتقای مهارت های زندگی دانش آموزان داشته باشد؟ برای دریافت پاسخ سؤالاتی نظیر آن چه مطرح شد، به مدرسه توحید در شهر قم که از ارزش یابی توصیفی بهره می گیرند، رفتیم و دیدگاه دو تن از دانش آموزان این مدرسه را در خصوص این ارزش یابی جو یا شدیم. فائزه ابراهیمی دانش آموز پایه سوم راهنمایی و معصومه غفاری دانش آموز پایه دوم راهنمایی در این گزارش با مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به گفت و گو نشستند.

اولین ابهامی که در رابطه با ارزش یابی توصیفی به ذهن متبادر می شود این است که آیا ممکن است حذف نمره مفع دیده شدن ضعف های درسی دانش آموزان شود و اگر نمره دقیقی برای هر درس منظور نشود، پیشرفت و اکت تحصیلی اندک، چگونه توجه دانش آموز را به خود جلب خواهد کرد؟ فائزه ابراهیمی در پاسخ به این سؤال می گوید:

«گرچه در ارزش یابی توصیفی نمره ای وجود ندارد اما بالاخره نتیجه ای به ما داده می شود که در واقع گزارشی از حاصل کار ماست، مثلاً می نویسند دفعه قبل نمره شما خوب یا در حد رضایت بوده، تلاش کنید تا نمره تان را به بالاتر از حد مطلوب برسانید حسن این شیوه ارزش یابی در این است که لازم نیست برای نمره درس بخوانیم و شخصیت دانش آموز به خاطر نیم نمره خرد نمی شود.»

«آگاهی نسبت به نقاط ضعف در هر درس» یکی از ویژگی های مثبت ارزش یابی توصیفی است که معصومه غفاری به آن اشاره می کند و می گوید: «در ارزش یابی توصیفی دانش آموز

متوجه می شود که ضعف او در کدام بخش هر درس است. چون در روش نمره، معلم فقط انتهای هر برگه یک نمره می نویسد و دانش آموز نمی داند که کدام مبحث را کامل یاد گرفته و در کدام مبحث ضعف داشته است. اما در ارزش یابی توصیفی معلم در برگه امتحانی می نویسد که شما در این مبحث ضعف دارید و این روش به یادگیری بهتر دانش آموز کمک می کند.»

«دیده شدن تلاش های دانش آموزان» از دیگر مزایای این ارزش یابی است که فائزه ابراهیمی به آن اشاره می کند و می افزاید: «در این سیستم نمی گویند نمره این دانش آموز ۲۰ بوده و الان هم ۲۰ است. می گویند نمره این دانش آموز ۱۰ بوده و الان به ۱۵ رسیده است و این یعنی در طول سال تحصیلی تلاش کرده و شایسته تحسین است. یکی از معلمان ما می گفت اگر دفعه پیش ۲۰ شدید و دوباره ۲۰ گرفتید، به این اندازه برای من با ارزش نیست که از ۱۸ به ۲۰ برسید. معلم در کارنامه توصیفی گزارشی از عملکرد دانش آموز می نویسد که نشان می دهد این فرد تلاش کرده، زحمت کشیده و به درس علاقه داشته است. حال تصور کنید دانش آموزی که از نمره ۱۰ به ۱۵ رسید، اگر در سیستم نمره، عدد ۱۵ را در کارنامه خود ببیند چه حسی پیدا می کند؟ اما همین فرد در ارزش یابی توصیفی با تقدیر و تحسین معلم مواجه می شود و انگیزه بیشتری برای پیشرفت می یابد. این حس حتی در خانواده هم ادامه پیدا می کند. خانواده ای که نمره ۱۵ فرزندش را می بیند، خیلی حس خوبی ندارد حتی اگر نسبت به گذشته پیشرفت داشته باشد ولی وقتی تقدیرهای معلم را در ارزش یابی توصیفی از فرزندش می بیند، امیدوار و خوشحال می شود.»

رشدی چند بعدی

بسیاری بر این باورند که نقش تربیتی و پرورشی مدارس پررنگ تر و مهم تر از نقش آموزشی آن است. امروزه ارتقای

دانش آموزان میل به «دیده شدن» دارند و این نیازی است که ارزش یابی توصیفی پاسخ مناسب تری به آن می دهد

مهارت‌های زندگی و تقویت بعد تربیتی از رویکردهایی است که آموزش و پرورش بیش از گذشته به آن بها می‌دهد. دانش‌آموزان مدرسه توحید تأثیر ارزش‌یابی توصیفی را بر پرورش ابعاد مختلف و همه‌جانبه فرد مهم می‌دانند. فائزه ابراهیمی در این زمینه خاطر نشان می‌کند:

«فکر می‌کنم هدف از مدرسه آمدن فقط درس خواندن نیست. ما مدرسه نمی‌آییم تا فقط مطالبی را بخوانیم و بالطبع بخش‌هایی از آن هم از یادمان برود. ما مدرسه می‌آییم تا هم از نظر آموزشی و هم از نظر پرورشی رشد کنیم. کارنامه توصیفی از همه فعالیت‌های دانش‌آموزان گزارش می‌دهد. با این روش در حقیقت مراد مسیری قرار می‌دهند که به جنبه‌های دیگری جز مباحث درسی بیندیشم و به فکر ارتقای دیگر مهارت‌ها در خود باشم. بدین ترتیب معلم با ارزش‌یابی توصیفی از من ارتقای سایر مهارت‌ها را مطالبه می‌کند و من نیز در جهت رشد آن‌ها در خود کار می‌کنم. حتی گاهی دانش‌آموزان خود علاقه‌مند هستند که فعالیت‌های پرورشی داشته باشند. اما سیستم نمره و تأکید بر آموزش صرف، دست دانش‌آموز را می‌بندد. منتها در ارزش‌یابی توصیفی ما در کار کردن محدودیت نداریم.»

دقیق‌تر شدن نگاه معلم

بیشتر دانش‌آموزان علاقه‌مندند تا مورد توجه معلم خود باشند. آن‌ها دوست دارند تا پیشرفت‌هایشان دیده شود و معلم نسبت به شادای و حتی اندوه آنان عکس‌العملی از خود نشان دهد. در حقیقت دانش‌آموزان میل به «دیده شدن» دارند و این نیازی است که ارزش‌یابی توصیفی پاسخ مناسب‌تری به آن می‌دهد.

معصومه غفاری در این خصوص تصریح می‌کند: «از زمانی که این طرح اجرا می‌شود، معلمان بیشتر از خصوصیات بچه‌ها مطلع شده‌اند. مشکلات بچه‌ها را می‌فهمند و می‌توانند به آن‌ها کمک کنند. از طرفی دانش‌آموزان نیز با معلمان و مدیران احساس راحتی بیشتر می‌کنند و حتی مسائل شخصی، خانوادگی و درسی‌شان را با معلمان مربوطه مطرح می‌کنند.»

هم‌چنین فائزه ابراهیمی در این راستا می‌افزاید: «ارتباط معلم و شاگرد وقتی بیشتر می‌شود که معلم می‌داند کار او صرف نمره رد کردن نیست. او باید دانش‌آموز را توصیف کند و برداشتی از عملکرد وی به خانواده‌اش ارائه دهد. لذا باید در تمام طول ترم تک‌تک دانش‌آموزان را زیر نظر بگیرد تا بتواند قضاوتی صحیح و عادلانه نسبت به پیشرفت‌ها و ضعف‌های آن‌ها ارائه دهد. البته چنین اتفاقی وقتی می‌افتد که این نگله که شما آمده‌اید تا فقط درس بخوانید حذف می‌شود.»

مکانی برای آرامش

مدرسه «خانه دوم» دانش‌آموزان است. این شعاری است که بارها و بارها شنیده شده است. اما تا چه حد با واقعیت تطبیق دارد؟ سیستمی که به دانش‌آموز نگاهی مبتنی بر آموزش صرف و فراگیری کتاب‌های درسی دارد و نمره را ملاک تشویق و مواخذه قرار می‌دهد، تا چه حد می‌تواند کارکردی نظیر «خانه» داشته باشد؟ یعنی در حقیقت مکانی که جایگاه انس و الفت و مهرورزی است! به نظر می‌آید که در سیستم ارزش‌یابی توصیفی با برداشته شدن مقیاسی به نام «نمره» فضای استرس‌زا و خشک حاکم بر کلاس می‌شکند و محیطی انعطاف‌پذیر و دوستانه جایگزین آن می‌شود.

معصومه غفاری در این خصوص می‌گوید: «من در سیستم نمره، شب امتحان استرس خیلی زیادی داشتم. اما الان استرس کم شده است. درست است که هنوز هم امتحان وجود دارد. اما انگار آن عدد خیلی استرس‌زاست. مثلاً می‌گویند ۱۶ شدی! اما در ارزش‌یابی توصیفی می‌گویند باید تلاش کنی تا به نمره مطلوب برسی و این از نظر روانی دانش‌آموز را آرام می‌کند. من فکر می‌کنم کلاسی که در آن بچه‌ها احساس راحتی کنند، کلاس شادی خواهد بود.»



عکس: طیبه رحیمی

فائزه ابراهیمی در این باره می‌افزاید: «وقتی کارنامه‌ای بر اساس نمره می‌دهند به من این استرس وارد می‌شود که مثلاً ۱۵ شدم اما دوستم ۱۸ شده است و من باید به سطح دوستم برسیم. ولی در کارنامه توصیفی، معلم بر عملکرد من متمرکز می‌شود و از فعالیت‌هایم می‌گوید. در این سیستم استرس تا حد زیادی از بین می‌رود و مهم‌تر این که جای مقایسه کم می‌شود؛ چرا که همه چیز بر توانایی هر فرد و فعالیت‌هایش متمرکز است.»

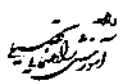
این نقطه‌های ناچیز

وقتی دیدگاه‌های بچه‌ها را می‌شنیدم، ناخودآگاه به دوران کودکی رفتم. به سمت خاطره‌ای که هیچ‌گاه در طول این سال‌ها کمرنگ نشد و از یادم نرفت.

۲۰ سال پیش دوم دبستان بودم و امتحان دیکته داشتم. از خانه که بیرون می‌رفتم، پدرم گفت: «فقط با ۲۰ برگرد.» وقتی معلم برگه‌های تصحیح شده امتحان را دستم داد، نگاهم سریع به سمت نمره رفت: «۱۹/۵». یکی از نقطه‌های کلمه «بین» جا افتاده بود و من از ۲۰ جا ماندم. این که آن روز چه اتفاقاتی افتاد و من با غرور شکسته، ساعت‌ها بیرون از خانه گریستم و پای رفتن به خانه را نداشتیم، بماند. اما پس از این همه سال، حسرت نمره بیستی که از دست رفت، خاطره‌ای است که هنوز آن را به خاطر دارم. امروز با شنیدن صحبت‌های بچه‌های مدرسه توحید درباره ارزش‌یابی توصیفی، احساس کردم، شرایط تازه‌ای به وجود آمده، تا خاطرات مانند گار کودکانه «شیرین‌تر» از گذشته در یادها بماند و «نقطه‌های ناچیز» و «شتباهات کوچک» شادی را از لبان معصوم آن‌ها نستاند.

معلم در کارنامه توصیفی گزارشی از عملکرد دانش‌آموز می‌نویسد که نشان می‌دهد این فرد تلاش کرده، زحمت کشیده و به درس علاقه داشته است

آگاهی نسبت به نقاط ضعف در هر درس، یکی از ویژگی‌های مثبت ارزش‌یابی توصیفی است





یاد اون روزها به خیرا

وقتی که یک دیکته یک صفحه‌ای رو بیست می‌شدی، یک مهر ده آفرین می‌گرفتی. ده تاده آفرین برایت یک صد آفرین بزرگ پای دفترت می‌آورد و از ده تا صد آفرین که می‌گذاشتی، یک برچسب بزرگ که معمولاً یا تصویر یک گل بود یا تصویر حیوانات، پای دفترت خودنمایی می‌کرد و با آن کلی بین بچه‌ها قرب و منزلت پیدا می‌کردی. بین معلم‌ها که جای خودش را داشت، هر ده تا برچسب تازه می‌رسید به افتخار گرفتن یک کارت پستال و هر ده تا کارت پستال رو آگه می‌تونستی در نه ماه سال از آن خودت کنی تابستون رو هم می‌تونستی سوار دوچرخه‌ای بشی که خودت برایش جون کنده بودی.

یاد روز اول مدرسه به خیر!

معلمی داشتیم که الفبا را با شعر و آواز به ما می‌آموخت. او روز اول با زبان داستان و شعر ما را با قواعد و اصول کلاس آگاه می‌ساخت. یکی از همان روزهای آغازین مدرسه از ما پرسید: کسی می‌داند که دیکته چیست؟ من که از خواهرم - که یک سال از من بزرگ‌تر بود - سواد را یاد گرفته بودم

و به راحتی روزنامه هم می‌خواندم، گفتم: «آقا من بلدم؛ بیام بنویسم؟»

یادش به خیر که هیچ وقت نگفت مطمئنی دروغ نمی‌گویی؟
«خب بنویسین».

من هم کل تخته رو از دیکته پر کردم و تمام حروفی را که ممکن بود با هم اشتباه گرفته شوند درست نوشتم؛ فقط یک کلمه را به جای آن که سرهم بنویسم جدا نوشتم. آقا معلم آن روز از خوشحالی یک کارت پستال به من داد که بعدها فهمیدم در طول سی سال خدمتش تا به حال روز اول به کسی چنین جایزه‌ای نداده بود. فکرش رو بکنید که فقط نه تا دیگر مانده بود تا دوچرخه دست نیافتنی مدرسه را از آن خردم کنم. هر چند حس جایزه نبود که مرا باسواد کرده بود؛ عشق به خواندن بود.

نمی‌دانم بگویم یادش به خیر یا نه!

دیکته، شعر، نمایش، کارت پستال، دوچرخه، سر بلند، با غرور و افتخار در حالی که سرم را بالا گرفته بودم و از لابه‌لای موج بچه‌ها سرک می‌کشیدم، حالت مردانه‌ای به طنین

صدایم دادم و طوری که از میان هیاهوی هم‌شاگردی‌هایم صدایم به گوش آقا معلم برسد، گفتم: «آقا اجازه، بابابزرگ شما مادر بزرگ مارو می‌شناسن؟» ناگهان انگار نگاه آقا معلم گس شد و طعم چشمانش به سرخی گرایید و من که با دوازده سال سن بیش از هر چیزی به فکر گرفتن جوابم بودم، با چشمانی عطشناک منتظر گرفتن پاسخی در خور شأن خودم ماندم. اما من...

خوشحال از این که می‌خواستم یک نسبت مهم را اثبات کنم تا شاید فاصله‌ام را با معلم کمتر کنم و بر سریلندی خودم بیفزایم. بی‌آن که بدانم واکنش او چهقدر با انتظار من متفاوت است، سعی در تصحیح و شفاف‌سازی حرقم داشتم: «آقا منظورمون اینه که بابابزرگ شما با مادر بزرگمون دوستن. بابابزرگ شما به مادر بزرگمون جنس می‌دن که...» حرقم که به این جا رسید با عتاب و خطاب فراوان در حالی که خودش را کنترل می‌کرد تا سلیلی محکمی توی صورتم نزنند گفت: «بی‌ادب. برو بیرون تا پیام تکلیف رو روشن کنم.»

دیگر یادم نمی‌آید آن سال سر کلاس ریاضی رفته باشم. انگار تکلیف من قرار بود با آینده خودم روشن شود نه با مدرسه و نه با حرفی که زده بودم. از آن روز مثل فرزند آشپزباشی دربار ناصرالدین شاه قاجار به سبک لب‌خوانی از پشت دری که به عمد آن را همان آقا معلم ریاضی محکم می‌بست، تمام درس‌ها را فقط نگاه می‌کردم و تندتند هر چه را معلم می‌گفت با مداد توی یک دفترچه یادداشت می‌کردم. دفترچه‌ای که لازم نبود خیلی آداب خاصی را در از تباط با آن رعایت کنم. چون تا پایان سال هیچ کس به آن کاری نداشت.

یادش به خیر امتحان امیر کبیر!

زمان امتحان‌های ما فرا رسید. تمام شاهزاده‌های پشت آن میز و نیمکت‌ها از من امیر کبیر نمره کمتری گرفتند. اما هر چه بود مثل قانون بی‌قانونی دربار من بالاترین نمره، از سوی آقا معلم تشویقی نشدم. نمی‌دانم شاید اگر تشویق می‌شدم باید می‌آمدم و کنار دست شاهزاده‌ها می‌نشستم و این برای ریاضی و بابابزرگ و کلاس، افت داشت... یاد آن لب‌خوانی‌ها به خیر!

به هر که می‌گفتم من امیر کبیرم هیچ کس باورش نمی‌شد. راستش را بخواهید از این که داشتم یک هیجان جدید را تجربه می‌کردم، خوشحال هم بودم. لب‌خوانی، اتفاقی نیست که به این راحتی‌ها توی زندگی هر کس پیش بیاید. اما نمی‌دانم چرا هیچ وقت ناظم یا مدیر مدرسه نیامدند از راهروهای ما رد شوند و این امیر کبیر ثانی را یک بار هم که شده از نزدیک ببینند. شاید فکر می‌کردند برای امیر کبیر همین بس که کبیرترین امیر است. یا شاید هم معلم ریاضی منتخب منتخبین معلمان ریاضی شهر بوده غافل از آن که این منتخب در منتخب نتواند در شهر آورد آدم‌سازی عنوان برترین مربی شهر را به خود اختصاص دهد.

یادش به خیر وقتی من بزرگ شدم...

امروز در یک گردهمایی فارغ‌التحصیلان مدرسه‌مان به دیدار معلمان خود رفتم. این افتخار را همگان می‌خواستند تقدیم معلم باسابقه و دوست‌داشتنی به نام آقای «تنها» کنند. آقای تنها وقتی من دوازده سال ناشتم، معلم خط و مدیر مدرسه بود. مدیریتش مثل خطش از نظر همه عالی بود و هست. امروز وقتی ماجرای آقا معلم ریاضی را از دهان یکی از دوستانم شنیدم به من گفتم: «مرا ببخش که من مقصرم. معلمی در زمان مدیریت من، دانش‌آموز مدرسه‌ام را تا آخر سال در پشت در نگه دارد و من نفهمم؟» و این را در حالی که بغض گلویش را می‌فشرد و اشک در چشمانش حلقه زده بود، می‌گفت. «تو را به خدا به خاطر من از این معلم ریاضی بگذر!» آقای تنها که هیچ وقت تنها نبود از من چیزی خواسته بود که نمی‌توانستم قبول کنم. اما وقتی صراحت لهجه او را دیدم، دلم نیامد و گفتم «بلشده اما یک شرط دارد که فقط به خود آقا معلم می‌گم.»

آن امیر کبیر راهروی مدرسه الان قابل شناسایی نبود. توفعی هم نمی‌رفت که آقا معلم ریاضی بتواند مرا بشناسد. آخر او همان موقع‌ها که شاگردش بودیم هیچ وقت ما را نشناخت... دوستم مرا با مشخصات کامل معرفی کرد. باز هم مرانشناخت.

با هم سر یک میز نشسته بودیم. خودم را کنارش رساندم و گفتم: «آقا ما به سؤال داریم که سی سال پیش هم داشتیم می‌شه ببرسیم؟»

آقا معلم ریاضی که جو معلمی همیشه او را می‌گرفت، با خوشحالی پذیرفت. گفتم: «آقا! بابابزرگ شما مادر بزرگ مارو می‌شناسن؟ راستی می‌دونین مادر بزرگ خدایامرز ما بابابزرگتون دوست بود؟»

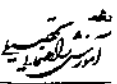
حالا دیگه صبر نکردم تا با من دعوا کند. آقا معلم ریاضی که انگاری تازه فهمیده بود من کی هستم و چه بلایی رو یک سال تموم سر من آورده گفتم: «خب ما این جا هستیم برای این که حلالیت بطلبیم. شما هم بگذر!»

گفتم: «چه‌طور بگذرم که سرنوشت منو عوض کردین؟ من همونی هستم که معلم کلاس اولم بعد از سی سال کار ویژه در ابتدایی گفتم که نابغه‌ام. من همونی‌ام که می‌تونستم در رشته ریاضی فیزیک رتبه‌های خوبی بیارم اما سر از هنرستان و ترک تحصیل در آوردم. می‌دونین همین یک لحظه که برایم به ظاهر مایه افتخار می‌بود، عمری افتخار را از من ربود.

اما با این حال به یک شرط می‌بخشمتون. به شرطی که بپرسین که بابابزرگتون که نمی‌دونم در قید حیاتن یا نه از کجا مادر بزرگ منو می‌شناختن؟»

آقا معلم ریاضی با شرمندگی و سرفاکنندگی پرسید: «از کجا؟» امروز مادر بزرگم رفته است... بابابزرگ آقا معلم ریاضی هم همین‌طور... جنگ پایان یافته است...

دیگر مادر بزرگم نیست که از بابابزرگ آقا معلم ریاضی جنسی بگیرد... یعنی دیگر رزمنده‌ای نیست که مادر بزرگم برای پاهای نازنین و یخ‌زده‌اش از بابابزرگ آقا معلم ریاضی پوتین بخرد. دیگر کسی نیست که برای ایست در ایستگاه‌های صلواتی که مادر بزرگم در جبهه راه انداخت، صلواتی نثار کند. مادر بزرگ من مادر همه جبهه‌ها بود.



علی قنبری
معلم شهرستان لردگان

موتور یادگیری

مفهوم و ماهیت انگیزه^۱

انگیزه همیشه نقطه شروع یک عمل است. پدر و مادر، معلمان، مدیر و مشاوران مدارس باید عوامل افزایش یا کاهش دهنده انگیزش را شناسایی کرده و در مسیر بالا بردن انگیزش تحصیلی دانش آموزان تلاش کنند. معلمان انگیزش را عامل مهمی در یادگیری می دانند و از این رو می خواهند دانش آموزانی با انگیزه داشته باشند. آنان برای ایجاد انگیزه در دانش آموزانی با مشکلات درسی، رویکردهای مختلفی را مورد استفاده قرار می دهند. انگیزه عاملی است که ما را به جنبش و حرکت وامی دارد و کمک می کند تا تکالیف خود را کامل کنیم. انگیزه فرایندی است که طی آن فعالیت های هدف محور برانگیخته و حفظ می شود. نظریه های انگیزشی معاصر انگیزش را ظرفیتی طبیعی می دانند که در همه دانش آموزان به طور بالقوه وجود دارد. لذا به پرورش یافتن نیاز دارد (ابراهیمی قوام آبادی، ۱۳۸۸). کدیور (۱۳۷۹) در تعریفی دیگر انگیزه را به موتور و فرمان یک ماشین تشبیه کرده که کنترل و حرکت ماشین را در دست دارد.

انگیزه پیشرفت^۲

به نظر مارشال ریو (۲۰۰۵) میل یا نیاز به تسلط و برتری، افراد را برای جست و جوی موفقیت با انگیزه می کند. بر این اساس، انگیزه پیشرفت لزوماً چیزی مانند تکاپو برای دستیابی به موفقیت های قابل مشاهده نظیر کسب نمرات بالا در آزمون نیست.

انگیزه تحصیلی^۲

کودکان به طور طبیعی با انگیزه برای یادگیری متولد می شوند. دست زدن کودک به اشیاء، غذا خوردن بدون کمک دیگران، راه رفتن و... از جمله اولین انگیزش ها برای یادگیری است که بعدها پاسخگوی فعالیت های وابسته به مدرسه مانند خواندن و نوشتن می شود. داشتن انگیزه برای انجام هر کاری توسط بشر لازم است و هیچ یک از فعالیت های آزادی انسان ها بدون داشتن انگیزه رخ نمی دهد. انگیزه مهم ترین شرط یادگیری است. علاقه به یادگیری محصول عواملی است که به شخصیت و توانایی دانش آموز، ویژگی های تکالیف، مشوق ها و سایر عوامل محیطی مربوط است (کدیور، ۱۳۷۹).

راهبردهای تقویت^۱ انگیزه تحصیلی در دانش آموزان

● آموختن عادات مطالعه صحیح و مفید: مطالعه صحیح و فراهم آوردن فرصت کسب موفقیت برای



امروزه آموزش و پرورش، زمانی موفق است که تمامی عواملی را که با تعلیم و تربیت ارتباط دارد، مورد توجه قرار دهد. یکی از مهم ترین عوامل در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دارا بودن انگیزه است. بر این اساس و با توجه به اهمیت انگیزه تحصیلی برای پیشرفت دانش آموزان، در این مقاله سعی می شود ضمن بیان مفهوم و ماهیت انگیزه تحصیلی از دیدگاه علمای تعلیم و تربیت، راهبردهایی نیز برای تقویت انگیزه تحصیلی در دانش آموزان مطرح گردد.

دانش‌آموزان تأثیر بسیار زیادی در ایجاد انگیزه تحصیلی آنان دارد. مطالعه صحیح، زمینه موفقیت و تشویق دانش‌آموزان برای تحصیل را فراهم می‌کند.

● فراهم نمودن زمینه خودشناسی در دانش‌آموزان: انگیزه دانش‌آموزان به تحصیل در صورتی افزایش می‌یابد که به آن‌ها کمک شود تا خود را درک کنند و به خویشتن خویش احترام بگذارند. برخی دانش‌آموزان پس از شکست‌های پیاپی در یادگیری، به خودپنداره^۳ضعیفی از خویش دست می‌یابند و بین این موفقیت‌ها و اعمال خود رابطه نزدیکی نمی‌بینند و تمام شکست‌های خود را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند. از این رو، معلمان باید به این دانش‌آموزان آموزش دهند که ممکن است تفسیرهایشان واقعیت نداشته باشد و باید سایر احتمالات را در نظر بگیرند (سیف، ۱۳۸۷).

● تقویت باور کسب موفقیت به واسطه تلاش: وقتی دانش‌آموز موفقیتی در انجام تکالیف به دست آورد - هر چند هم که کوچک باشد - باید در او این باور تقویت گردد که موفقیت در نتیجه همت و تلاش او بوده نه شانس و اتفاق.

● تقویت رفتارهای متناسب با پیشرفت تحصیلی: یکی از راه‌های تقویت انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان تقویت رفتارهای متناسب با پیشرفت تحصیلی آنان است. معلمان و مشاوران مدارس باید به تناسب پیشرفت‌ها، پاداش‌هایی را برای دانش‌آموزان در نظر بگیرند و هر چند وقت یک بار به امور مورد علاقه‌ای که برای آن‌ها لذتبخش است، توجه کنند.

● تشویق دانش‌آموزان به مطالعات عمیق: این مسئله برای کسب دانش و معرفت از اهمیت زیادی برخوردار است. چنانچه تکالیف آموزشی رویکرد سطحی مطالعه را تشویق نمایند، یادگیرندگان براساس این خواسته‌ها رویکرد مطالعه خود را شکل می‌دهند (نعمتی، ۱۳۸۶). از این رو تلاش صرفاً برای کسب نمره و قبولی، انگیزه تحصیلی را کاهش می‌دهد.

● محدود نمودن عوامل مخل یادگیری: معلمان مدارس باید بکوشند عوامل مخل یادگیری را محدود کنند. عواملی مانند: زیاده‌روی در تماشای فیلم و تلویزیون، انجام بازی‌های کامپیوتری یا استفاده بیش از حد از اینترنت می‌تواند انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد.

● دادن تکالیف متناسب با نیازها و استعدادها به دانش‌آموزان: زمانی می‌توان انگیزه برای تحصیل و انجام تکالیف یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت کرد که آن‌ها دریابند این تکالیف متناسب با علائق، استعدادها، توانایی‌ها و اهدافشان بوده و نوعی نیاز در آن‌ها رفع می‌گردد. بنا به نظریه اتکینسون (۱۹۵۷) افراد در انجام

تکالیفی که از نظر درجه دشواری متوسط هستند، توفیق زیادتری به دست می‌آورند (سیف، ۱۳۸۷).

● تشویق دانش‌آموزان به افزایش ساعات مطالعه: معلمان باید دانش‌آموزان را تشویق کنند تا پیوسته زمان مطالعه خود را (حتی اگر شده روزی ۱۰ دقیقه) افزایش دهند.

● ترغیب دانش‌آموزان برای اهداف دست‌یافتنی: معلمان و مشاوران باید دانش‌آموزان را ترغیب نمایند تا از هدف‌هایی که نیازمند تلاش - ولی قابل دسترسی‌اند - استفاده کنند. برای خود، هدف‌های سطح بالا که امکان دسترسی به آن‌ها بسیار مشکل یا غیرممکن است، در نظر نگیرند.

انگیزه عاملی است که ما را به جنبش و حرکت وامی‌دارد و کمک می‌کند تا تکالیف خود را کامل کنیم



پی‌نوشت

1. motive
2. achievement motive
3. academic motive
4. reinforcement
5. self esteem

منابع

۱. ابراهیمی قوام‌آبادی، صفری (۱۳۸۸): پرورش انگیزه در دانش‌آموزان، تهران، انتشارات رشد.
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷): روان‌شناسی پرورشی، تهران، نشر آگه.
۳. کدیور، پروین (۱۳۷۹): تأثیر انتظار معلم بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموز، فصل‌نامه تعلیم‌وپرورش، سال نهم، شماره یک.
۴. مارشال ریو، جان (۱۳۸۷): انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ویرایش.
۵. نعمتی، آیس (۱۳۸۶): رابطه بین حافظه فعال، رویکردهای مطالعه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های شهرستان اهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.



شیطنت آینه‌ای

فریده فهیمی مجرد
معلم شهرستان برازجان

ابتدا عصبانی شدم، ولی سکوت کردم و خشم خود را بروز ندادم. بعد گفتم: بچه‌ها، این فصل را فعلاً درس نمی‌دهم به جایش فصل بعدی را درس می‌دهم که در مورد نور و آینه است. آن وقت از مریم خواستم با چرخش آینه‌اش برای تشکیل چندین زاویه متفاوت و ایجاد تصویر و بیان ویژگی آن مرا در تدریس یاری کند. اتفاقاً مریم هم پذیرفت و در فواصل و زاویه‌های متفاوت، با آینه‌اش تصاویری تشکیل داد و این گونه با هم درس آینه‌ها را تدریس کردیم.

حالا بعد از گذشت سال‌ها ما هنوز با هم در ارتباط هستیم و او هرازگاهی جویای احوال من می‌شود.

یک تجربه دیگر: چشم بیفید

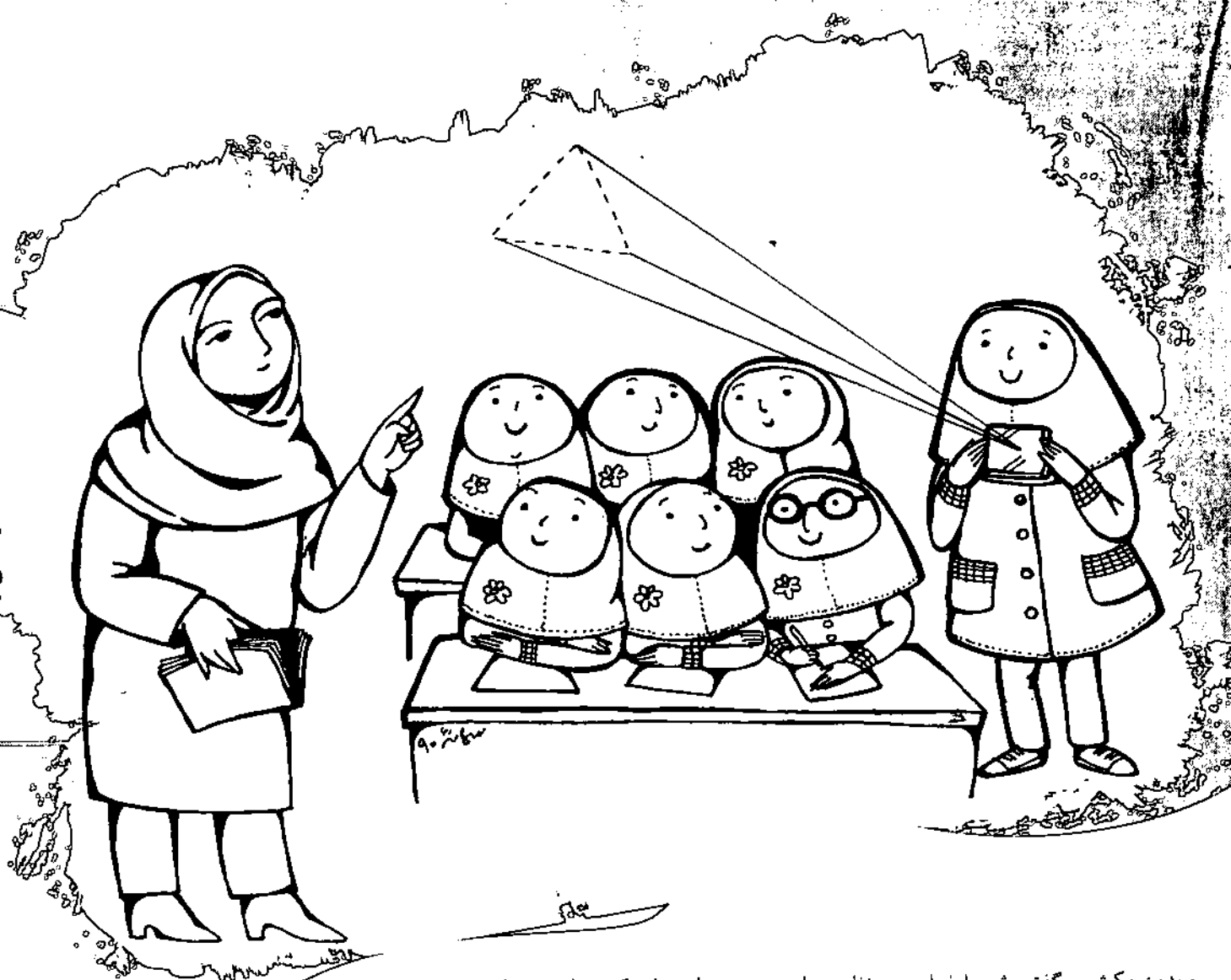
در یکی از روزهای شروع مدارس در مهر ماه مدیر مدرسه فرم مشخصات پرسنل جدید را به دستم داد و خواست که مشخصات خود را وارد کنم. اما چند دقیقه که گذشت، نماینده کلاس دوم سراسیمه به دفتر آمد و گفت: خانم، بچه‌ها کلاس را روی سرشان گذاشته‌اند. من هم گفتم: شما برو کلاس من همین حالا می‌آیم. تا خودم را سر کلاس برسانم، سروصدای بچه‌ها در سرتاسر مدرسه شنیده می‌شد و من دیگر حسایی کلافه شده بودم.

وقتی وارد کلاس شدم، بدون بررسی فضای حاکم و دانش‌آموزان، شروع کردم به سرزنش آن‌ها. بلند بلند

زمانی که اولین درس از فصل اول علوم تجربی را که در مورد تغییرات شیمیایی و فیزیکی مواد است تدریس می‌کردم، از گروه‌های مختلف افرادی را با اشاره انگشت انتخاب می‌نمودم و از آن‌ها می‌خواستم تغییراتی را که در محیط پیرامون خود مشاهده می‌کردند نام ببرند. بدین ترتیب بحث و تبادل نظر در مورد تغییرات مواد بالا می‌گرفت و همه دانش‌آموزان می‌خواستند که در بحث کلاسی شرکت کنند و نظر خود را اعلام دارند. خلاصه این که محیط کلاس برای ادامه تدریس کاملاً مهیا می‌شد.

دانش‌آموز جدیدی به نام مریم از مدرسه دیگری به مدرسه ما منتقل شده بود و در کلاس حضور داشت. از همان لحظه شروع کلاس، من متوجه شدم که تحرک و شیطنت خاصی در وجود این دختر موج می‌زند و او درصدد است که به نحوی زیرکانه، نظم کلاس را به هم بزند؛ طوری که من نتوانم شخص خاصی را شناسایی کنم و به قول خودش حال من را بگیرد و مرا گیر بیندازد.

همان‌طور که مشغول پرسش و پاسخ از دانش‌آموزان بودم، دیدم که انعکاس نور آینه‌ای روی دیوار کلاس، بالای تخته و اطراف آن می‌چرخد و دانش‌آموزان نیز با نگاه کردن به آن، سر خود را حرکت می‌دهند. مریم آینه جیبی خود را درآورده و نور خورشید را که از پنجره وارد کلاس شده بود، روی دیوار منعکس می‌کرد.



جبران نمایم که منظور من طیبه نبوده است، اما خیلی سخت بود.

بیچاره طیبه! وقتی شش ساله بوده، خار درخت نخل در یک چشمش فرو رفته و آن را کور کرده بود و طبیعتاً به مرور زمان، آن چشم سفید شده بود. طیبه هم چنان سرش پایین بود؛ آن هم به دلیل جرمی که هرگز مرتکب نشده بود، به گناه سفیدی چشمش.

سنگینی رسالتی که طیبه بر دوش من گذاشت، باعث شد که همیشه هنگام ورود به کلاس، ابتدا وضعیت آن را بررسی کنم. با دانش آموزان خوش و بشی داشته باشم، کمیت و کیفیت فضا را بسنجم و بعد به ارائه تدریس و امور مربوطه بپردازم. طبق دیدگاه روسو افراط و تفریط نکردن در تربیت، ضروری است: «افراط در سخت گیری و افراط در سهل انگاری هر دو به یک اندازه نامطلوب است.»

امام صادق (ع) فرمود:

«صبر، سرآمد ایمان است.»

و بدون مکت می گفتم: شما خیلی بی نظم، بی ادب، گستاخ و فضول هستید، شلوغ کاری و شیطنت هم حدی دارد، چرا شرم و حیا و نزاکت را فراموش کرده اید؟ چرا مقررات و قوانین کلاس را رعایت نمی کنید؟... کدام چشم سفید (در گویش محلی استان ما، بوشهر، منظور از چشم سفید، فرد گستاخ و پررو است) نظم کلاس را به هم زده است؟

همه بچه ها با هم به سمت طیبه که نیمکت اول کنار میز معلم نشسته بود، نگاه کردند.

من هم بی اختیار برگشتم و تازیانه نگاهم را بی محابا بر چهره طیبه نواختم؛ ولی با کمال تعجب دیدم که چشم طیبه به راستی سفید است و تلاطم امواج سهمگین عصبانیت من، ناگهان آرام گرفت. سکوت عجیبی فضای کلاس را دربر گرفت. دانش آموزان شاهد قطره قطره عرق شرمی بودند که بر پیشانی ام می نشست. اکنون ۱۴ سال از سابقه تدریس من می گذرد ولی هرگز به اندازه آن روز، شرمگین و خجل نگشته ام. هر چند تقلا می کردم که به هر طریق ممکن اشتباه خود را

مشاوره تربیتی

غلامحسین ظفیری
معلم ناحیه یک اهواز

تخلّف ناپذیر دارد؛ فعالیت های انسان از روی آگاهی و انتخاب صورت می گیرد و چنین نیست که مانند حیوان مجری بی اراده طبیعت خود باشد. به بیان دیگر، انسان تا کاری را نشناسد و به نتیجه و هدف آن کار پی نبرد، برای انجامش اقدام نخواهد کرد. بنابراین اولین قدم اندیشه است. بعد از اندیشه و پذیرش آن هدف از ناحیه فکر، نوبت به قبول عملی می رسد. یعنی آن حکم عقلی که توسط اندیشه پذیرفته شده است تا وقتی که در حد همین تصدیق ذهنی باشد، منشأ اثر واقع نمی شود، بلکه وقتی این تصدیق منشأ اثر می گردد که قلب بدان معتقد شود و نوعی حب و دل بستگی به آن پیدا کند و شوق رسیدن به هدف را در آدمی ایجاد نماید، آن گاه این حب و شوق برانگیزاننده انسان برای انجام عمل خواهد گردید، یعنی شوق که در درون وجود آدمی است او را به اراده کردن و تصمیم می کشاند و او با گرفتن تصمیم اقدام می کند. به همین دلیل است که در دین، عمل بعد از ایمان قرار داده شده و رابطه تکمیلی و متقابل ایمان و عمل در آیات متعدد بیان شده است. بعد از این مرحله در اثر انجام اعمال صالح بقیه اعمال نیز به صلاح گرایش پیدا می کنند. لذا انتظار می رود خانواده و مدرسه، همپای شرایط فرهنگی دنیای امروز و متناسب با محتوای غنی منابع دینی، راهبرد روشنی را در این مورد دنبال کنند.

پیشنهادها

برای کسب موفقیت روزافزون خانواده و مدرسه در تربیت فرزندان، همونوا با ارزش ها، هنجارها، اعتقادات

تعلیم و تربیت دو عنوان تفکیک ناپذیرند و تنها در پر تو این تفکیک ناپذیری است که نقش معنایی و رسالت مفهومی خود را به درستی ایفا می کنند. از سوی دیگر، تعلیم و تربیت در هر جامعه ای تابعی از مکاتب تربیتی و خواست های حاکم بر اکثر افراد آن جامعه است. جامعه ما که مبتنی بر مبانی دینی است نیز می بایست تعلیم و تربیتش دینی باشد و در کل پیکره آن، رنگ دین تجلی نماید. بنابراین اگر چه همه نهادها در قبال ترویج فرهنگ نماز و شکوفایی این امر فطری مسئولند، اما خانواده و مدرسه و عوامل و عناصر آن به عنوان یکی از مهم ترین متولیان تعلیم و تربیت فرزندان کشور اسلامی رسالت خطیری به عهده دارند، زیرا از یک طرف خانواده به عنوان اولین نهاد تعلیمی و تربیتی، مؤثرترین نقش را در شکوفا کردن فطرت الهی عهده دار است و از طرف دیگر نهاد مدرسه نیز به مدت دوازده سال ارتباط نزدیک و زنده با مخاطبان خود دارد، لذا تعامل درست یا نادرست بین این دو نهاد، در مطلوبیت یا عدم مطلوبیت شخصیت فرزندان کشور اسلامی و چگونگی شکل گیری اندیشه، باورها و رفتارهای ایشان نقشی تعیین کننده دارد.

برای دست یابی به مراحل عالی تربیت دینی باید ابتدا نیازها، توانایی ها و ویژگی های انسان را به عنوان موضوع تربیت بشناسیم و بدانیم که نخستین و بارزترین تفاوت میان انسان و حیوان این است که برخلاف حیوان که فعالیت هایش اغلب جنبه

و نگرش‌های مطلوب دینی از جمله نماز جماعت، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

✓ تدارک تجمع و حضور والدین دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس.

✓ فراهم کردن زمینه تشویق والدین برای مشارکت دادن دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس.

✓ برگزاری مسابقات متنوع برای والدین دانش‌آموزان در زمینه نماز.

✓ تشویق و قدردانی از خانواده‌های نمونه مقید به نماز جماعت، به ویژه خانواده‌هایی که زمینه حضور فرزندانشان را فراهم می‌آورند.

✓ والدین به روش‌های مناسب با فلسفه نماز آشنا شده، شیوه‌های اثرگذاری بر فرزندان را بیاموزند.

✓ رشد تربیت دینی صرفاً مأموریت درس دینی شمرده نشود، زیرا ماهیت دین طوری است که در همه جا حضور دارد و ارتباط آن با همه عرصه‌های فکری باید مکشوف گردد تا زمینه رشد همه جانبه برای دانش‌آموزان فراهم شود.

به تعبیر دیگر، تربیت دینی به منزله روحی است که در کالبد همه فعالیت‌های انسانی مسلمان از جمله فعالیت‌های آموزشی او حضور دارد. به همین دلیل کلیه فعالیت‌های دانش‌آموز باید تجلی‌گاه اهداف تربیتی باشد.

✓ برنامه اردوها، جشنواره‌های آموزشی و... به گونه‌ای تنظیم شود که والدین دانش‌آموزان نیز حضور داشته باشند و با فرا رسیدن وقت نماز، همه با هم نماز را اقامه کنند.

✓ انجمن‌های اولیا و مربیان در برنامه‌های خود، والدین را نسبت به امر نماز فرزندان توجیه و تشویق کنند.

✓ برگزاری دوره‌های آموزشی برای ائمه جماعات مدارس.

✓ برگزاری مسابقات اذان و احکام برای دانش‌آموزان.

✓ احداث، توسعه و تجهیز نمازخانه‌های مدارس.

✓ آتس و آشنایی دانش‌آموزان با نماز جماعت و ایجاد پیوند مذهبی دانش‌آموزان و مربیان و نیز زمینه توجّه آنان با روحانیون و مساجد.

✓ پاسخ‌گویی به سؤالات مذهبی دانش‌آموزان به صورت منطقی و با زبانی ساده و درخور فهم.

✓ برگزاری مسابقه حضور و بحث گروهی، داستان، نقل سخنان کوتاه بزرگان، بازی‌های علمی، ایفای نقش، خطاطی، انشانویسی، طراحی و...

✓ تلاش کادر آموزشی و اداری خصوصاً دبیران پرورشی، بینش و معارف اسلامی در آگاه کردن دانش‌آموزان به اهمیت تعامل خانه و مدرسه در ارتباط با نماز جماعت.

✓ آموزش اولیا از طریق فیلم‌های تربیتی و

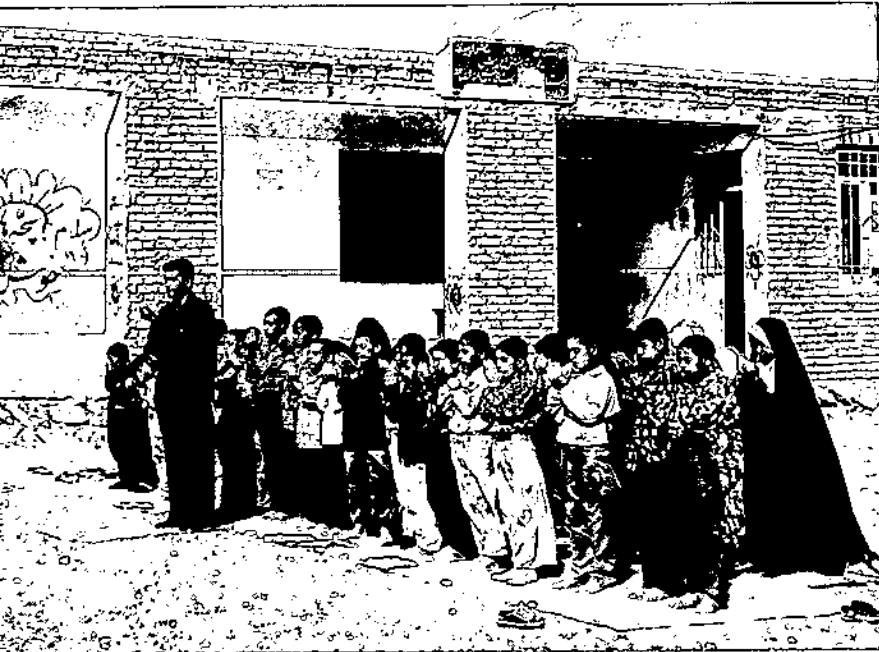
نوارهای آموزشی و ویدئویی.

✓ نظارت بر اقامه نماز دانش‌آموزان شرکت‌کننده در طرح اقامه نماز از طریق والدین و ارتباط غیرمستقیم و رفع اشکالات از طریق اولیا و مربیان.

✓ برگزاری حداقل یک جلسه کلاس آموزش خانواده در خصوص آشنایی با طرح اقامه نماز و وظایف والدین.

✓ فرش کردن نمازخانه‌های مدارس.

✓ اجرای جشن تکلیف برای دختران سوم ابتدایی و پسران سوم راهنمایی.



✓ ایجاد طرح تقلید و مرجعیت برای دختران و

پسران اول دبیرستان.

✓ نصب تراکت، پوستر و... در سالن برگزاری

جلسات انجمن اولیا و مربیان.

✓ در تولیدات کمک آموزشی و تفریحی که در

اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد، موضوع نماز به صورت

جدی مطرح گردد.

✓ از والدین و دانش‌آموزان خواسته شود که با

همکاری یکدیگر با زبان شعر و قصه و نقاشی و... به

آفرینش آثار هنری با کیفیت برجسته اقدام کنند.

در پایان یادآوری می‌شود که شایسته است

خانواده و مدرسه علاوه بر این که نسبت به معنویت،

پرستش و نماز حساس باشند؛ خاستگاه دینداری و

تقلید مذهبی را که با تفکر، تعقل و خردورزی و دانش

نسبیتی تمام دارد، با تبیین نظری مباحث دینی و

تکیه بر باورهای درونی و فطری دانش‌آموزان نهادینه

سازند.

سید زین‌الدین حسینی
معلم شهر بندر عباس

آموزش حکمی

گفتنی است که مالک دریا بودیم؛ جایی که آلاچیق‌های فراوان داشت. به هر ترتیب، دانش‌آموزانی را که خود من سرپرست‌شان بودم به زیر آلاچیق هدایت کردم و از آن‌ها خواستم کتاب دینی را باز کنند و به درس مورد علاقه خود توجه داشته باشند. آن وقت از آن‌ها خواستم که موارد تیمم را نام برده و چگونگی انجام آن را بیان کنند.

یکی از دانش‌آموزان گفت: عدم دسترسی به آب یکی از عوامل استفاده از تیمم است. و بعد هر یک از دانش‌آموزان دلایل دیگری را مطرح کردند. البته عوامل دیگری هم وجود دارد که می‌توان به جای وضو تیمم کرد: تهیه آب به قدر وضو نباشد؛ از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد به واسطه استعمال آن مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرض طولانی و شدید شود و یا به سختی معالجه شود؛ دسترسی نداشتن به آب به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها؛ هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو برساند خود او یا همسر و اولاد او، یا دوستش و کسانی که به او مربوطند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن با مشقت همراه باشد؛ کسی که بدن و لباس او آلوده است و آب کمی دارد که اگر با آن وضو بگیرد، برای آب کشیدن بدن یا لباس او چیزی باقی نمی‌ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند؛ وقت کافی برای وضو نباشد.

آن‌گاه از دانش‌آموزان خواستم قبل از نماز پاسخ مرا بدهند که تیمم بر چه چیزهایی صحیح است؟ وقت نماز شد و دانش‌آموزان هم همگی برای وضو پراکنده شدند.

آموزش یادگیری مؤثر و کارآمد در محیطی حاصل می‌شود که نوعی مشارکت فعال بین مربی و متریان ایجاد شده باشد. امروزه مدرسه تنها یک مکان آموزشی نیست و در اغلب کشورها، به نقش محیط و جامعه در آموزش توجه خاصی می‌شود. در روزگار ما مدرسه به فراگیران می‌آموزد که چگونه یاد بگیرند، حقایق را کشف کنند، مشکلات خود را برطرف سازند و به کارهای تحقیقی بپردازند. در نتیجه انتظار می‌رود دانش‌آموزان ضمن بهره‌گیری از آموخته‌ها بخش اعظم خاطرات و تجارب و اطلاعات خود را از محیط‌های دیگر به دست بیاورند.

در یکی از روزهای تدریس من، مدیر مدرسه به کلاس آمد و به دانش‌آموزان گفت که قرار است شما را به یک گردش علمی ببریم. دانش‌آموزان از شنیدن کلمه «گردش» خوشحال اما از شنیدن کلمه «علمی» دچار بهت و سرگشتگی شدند. خلاصه همین که مدیر از کلاس خارج شد، بین دانش‌آموزان همه‌پهای در گرفت و من هم از فرصت استفاده کرده و به آن‌ها گفتم که گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از کلاس، کاری است که بیرون از کلاس، آزمایشگاه یا کتاب‌خانه صورت می‌گیرد و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسئله، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، پرسش‌نامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون تحقیقی می‌شود تا از این طریق در مورد اعتبار فرضیه‌ها، تشخیص تغییرات یا درستی و صحت شرایط و موقعیت‌ها اطمینان حاصل شود.



اما هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که دیدم، برگشتند و گفتند خانم آب دریا شور است و نمی‌توانیم وضو بگیریم. آب قمقمه‌هایمان هم تمام شده و مدیر مدرسه هم می‌گوید آب به اندازه نوشیدن آورده‌ام و سرویس‌های بهداشتی هم آب ندارند. حالا چه کار کنیم؟

در این هنگام یکی از دانش‌آموزان گفت: می‌توان بر سنگ، ریگ، کلوخ، گردوغبار، گل خشک و مانند آن‌ها تبیم کرد. اما من گفتم: البته طبق فتوای همه مراجع وضو گرفتن با آب دریا صحیح است و هیچ موردی ندارد مگر در مواردی که پوست بدن به آب شور دریا حساس باشد و یا زخمی در اعضای وضو باشد که وضو گرفتن با آب شور دریا برایش مشکل ایجاد کند. ولی چه کسی می‌تواند به من بگوید که آب دریا حکم چه آبی را دارد؟ قلیل، جاری یا کر؟

○ آب جاری: به آبی که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد «آب جاری» گفته می‌شود؛ مانند آب چشمه، قنات، رودخانه و چاه عمیق. آب باران به هنگام بارش و آب چاه نیز حکم آب جاری را دارند.

○ آب کر: آب را که در صورتی که حجم آن به مقدار ۲۷۷/۴۱۹ کیلوگرم باشد، آب کر نامیده می‌شود. هم چنین اگر حجم آب را که به مقدار ظرفی باشد که هر یک از طول و عرض و عمقش سه و جب و نیم باشد.

○ آب قلیل: آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد. مانند: آب کوزه و لیوان.

بعد از صرف ناهار در هوای باز و مطلوب لب دریا و کمی استراحت، بچه‌ها را حضور و غیاب کردیم و سوار اتوبوس شدیم. در زمان بازگشت به مدرسه، در اتوبوس، دانش‌آموزان به دنبال پاسخ به سؤال بودند.

یکی از روش‌های مؤثر در به کارگیری آموخته‌های مدرسه‌ای و کاربست آن‌ها در محیط، رفتن به اردوهای آموزشی است. زیرا مکان و موقعیت اردو، تجلی‌گاه اهداف پرورشی در تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و در آن جاست که می‌توان به معنای واقعی عملکرد مدارس را سنجید و دانش‌آموزان را برای زندگی آماده کرد. زیرا به این ترتیب دو هدف مهم در نظر گرفته می‌شود: جمع‌آوری اطلاعات، مشاهده محیط و کشف پدیده‌های علمی؛ کسب تجربه



دست اول برای به کارگیری مفاهیم نظری آموخته شده در کلاس‌ها.

امروزه، یکی از سیاست‌های نظام‌های آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته، اعتباربخشی به دانش‌ها و مهارت‌های فراگیرندگان است که از طریق درگیر کردن آنان با واقعیت‌های زندگی صورت می‌گیرد. در اردوهای آموزشی، فراگیرندگان با زندگی واقعی روبه‌رو می‌شوند.

پایه هفتم

دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی مشتاقانه منتظر آثار ارسالی معلمان است. آرزو داریم بخش زیادی از محتوای مجله را به مطالب معلمان اختصاص دهیم. شما عزیزان می‌توانید آثار خود را از طریق پیام‌نگار مجله، پست و یا مراجعه حضوری، به دست ما برسانید. شایان ذکر است، وقتی اثری به دفتر مجله می‌رسد، پس از ثبت آن در فهرست آثار رسیده، اعضای شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله، آن را بررسی می‌کنند. در صورتی که اثری تأیید شود، به مرحله چاپ می‌رسد. البته در این مرحله، هرگونه اصلاح به نویسنده اطلاع داده می‌شود.

rahnamayi@roshdmag.ir

تهران، صندوق پستی: ۱۷۹-۱۶۵۹۵

اسامی معلمان و همکاران فرهنگی عزیزی که در دوره هفدهم مجله، آثاری برای ما فرستاده‌اند، به شرح زیر است:

شهین حسین‌پور، مریم معتمدی، زهرا دارینی، محمد عربیان آرانی، زینت گلبو، علی جوانمرد شایهرامی، مهدی زمانی، معصومه تاجیک، حسین عظیمی حصار، مهدی صداقت پیشه، سمانه سادات موسویان، سوابه محمدپور قمری، حشمت احمدی، زهرا مؤید، مینا پاکپور رودسری، شاکرم عبدی‌پور، عباس محمدپور، آذر یوسفی، طاهره سادات بلندی، بیتا مهدی، حسین احمدی، سیدژیلا ذاکر حسینی، معصومه لایموت، علی‌اصغر براتی، احمد صدیقی، مژگان علیخانی، بهروز انصاری، یعقوب سیف پناهی، ملیحه صحرانیان، ظریفه میر، زهره حاجی بابایی،

مریم عباسی، غلامحسین ظفری، داوود ابراهیمی، کامران شاهولی، علی اسدی قلعه نی، فائقه شاه حسینی، غلامعباس عارف، محمدرضا رهبریان، هدی سهرابیان، معصومه فیاض منفرد، مالک یوسفی، سیدمحسن جلال، مهرزاد کازرانی، احمد کنجوری، ملیحه شهابی رابری، کلثوم عظیمی، افضل رحمانی، محمدکریم حسنونند، فریبا مؤیدنیا، نوشین جاودان، حسین اسکندری، مجید علی‌محمدی، سیداحمد مشهدی، محمد فایق مجیدی دهگلان، مهیندخت اقتخاری، فاطمه حفیظی، فاطمه حاجی‌زاده، مختار نقدی، مسلم رجبی، امینه احمدی، قدسی احقر، زهرا چراغی، جعفر فریدی، علی اکبرزاده، علی‌اکبر کمالی‌نهاد، محمد بهاری، صادق صادق‌ولنی، جمیله عبدالعزیزی، محمد حسین‌زاده، خیرالدین عزیزی.

شما و حرفه‌های آینده: خودتان بفرمایید!

نظر بدهید، جایزه بگیرید

این نشریه، حاصل زحمات همکاران شماست که در دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی تولید می‌شود. مخاطب اصلی مجله رشد، شما معلمان دوره راهنمایی هستید. تمام تلاش دوستان شما در این جا این است که مطالب مجله، دوست داشتنی باشد. ما علاقه‌مند هستیم که نظرتان را نسبت به مطالبی که در شماره‌های سال جاری انتشار یافته بدانیم تا به یاری خدا بتوانیم در سال آینده مجله‌ای که کاملاً پاسخ‌گوی نیازها و علایق شما باشد، در اختیارتان قرار دهیم. از این رو تقاضا می‌کنیم به پرسش‌نامه‌ای که بدین منظور تهیه شده پاسخ دهید و آن را از طریق صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۷۹ و یا نمابر شماره ۱۴۷۸-۸۸۳۰ به دفتر مجله ارسال نمایید. پیشاپیش از همکاریتان سپاس‌گزاریم و وعده می‌دهیم که پس از دریافت پاسخ‌ها، هدیه‌ای به رسم یادبود به شما اهدا و به نشانی‌تان ارسال کنیم.

۱. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در دفتر مدرسه شما یافت می‌شود؟

بلی خیر

۲. کدام یک از مطالب مجله از جذابیت بیشتری برخوردار است؟ ۳ عنوان را بنویسید.

(الف)

(ب)

(ج)

۳. برای افزایش مهارت‌های حرفه‌ای خود، به چه مطالبی نیاز دارید؟

(الف)

(ب)

(ج)

۴. آیا مطالب ارائه شده در مجله متناسب با اهداف دوره راهنمایی تحصیلی است؟

بلی خیر

۵. آیا مطالب ارائه شده در مجله برای مدیریت کلاس درس شما مفید است؟

بلی خیر

۶. آیا مطالب ارائه شده در مجله، امکان پیاده‌سازی (کاربرد) در کلاس درس را دارد؟

بلی خیر

۷. نظر شما در ارتباط با ادغام مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی با مجله رشد معلم چیست؟

موافقم مخالفم

چرا؟

ضعیف	متوسط	خوب	عالی	نظر شما درباره چاپ موضوعات، مطالب، تصاویر و... در مجله چیست؟
				۱ تصویر یا عکس روی جلد
				۲ سرمقالهها
				۳ رموز معلمي
				۴ معلمان معمار
				۵ گزارشها
				۶ گفتوگوها
				۷ دعوت به نوشتن
				۸ تجارب و خاطرات معلمان
				۹ آموزش + بازی
				۱۰ کارگاه تفکر خلاق
				۱۱ ویژهنامه ضمن خدمت
				۱۲ ویژهنامه استانها

نظرات توضیحی شما:

Blank area for providing detailed feedback and comments on the journal's content.

نام و نام خانوادگی:

شغل: معلم معاون مدیر کارشناس غیره

نشانی دقیق پستی و شماره تلفن:

همکاران محترم!

مدرسه فضایی است زنده و پویا که مدام در آن پدیده‌هایی جدید اتفاق می‌افتد. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در نظر دارد از پدیده‌ها و حوادثی که در مدارس روی می‌دهد، گزارش‌های مکتوب و تصویری تهیه کند تا به نام همان مدرسه، در مجله به اطلاع سایر همکاران نیز برسد. شما می‌توانید ضمن تماس با شماره تلفن ۰۲۳۲-۸۸۴۹۰، دفتر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی را مطلع کنید تا در زمان اجرای برنامه‌هایی مثل آن چه در زیر می‌آید، در مدرسه شما حضور یابد و گزارش آن را تهیه کند:

- ♦ جلسات شورای معلمان مدارس؛
- ♦ جلسات دانش‌افزایی معلمان مدارس؛
- ♦ برنامه‌های نوآورانه در برگزاری اردو، استفاده از کتابخانه، کارگاه و آزمایشگاه مدرسه؛
- ♦ برنامه‌های مرتبط ورزش و نشاط؛
- ♦ برنامه‌هایی در زمینه مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های مدرسه؛
- ♦ برنامه‌هایی در زمینه آموزش‌های فعال در کلاس درس و خارج از آن.





فراخوان



هفتمین دوره جشنواره عکس رشد

گاه شمار:

* مهلت ارسال آثار: ۳۱ تیر ۱۳۹۱

* زمان داوری: مرداد ۱۳۹۱

* زمان برگزاری نمایشگاه و اعلام برگزیدگان:

دهه اول مهرماه ۱۳۹۱

* موضوع:

□ گرایش آموزش و پرورش

(مدرسه، معلمان، دانش‌آموزان، ساعت ورزش،

کلاس درس، اردو، نمازخانه، کتابخانه، بابای

مدرسه، آغاز سال تحصیلی، زنگ تفریح، کار

دانش‌آموزان و ...)

□ گرایش ایران، سرزمین پرگهر

(بازی‌های محلی، آرامگاه‌های مفاخر، کار، راهپیمایی،

جشن‌ها، عزاداری‌ها و ...)

□ گرایش کار و جهاد اقتصادی

(کارآفرینی در خانه، اردوهای جهادی، کارهای

دستی دانش‌آموزان، کارگاه‌های مدارس و ...)

□ گرایش آموزش هنر در مدارس

(زنگ هنر)، مشارکت موسسه فرهنگی هنری صبا

بخش جنبی:

* بخش جنبی در بخش دانش‌آموزی (۱۳ الی

۱۸ ساله) با «موضوع آزاد» برگزار خواهد شد.

امتیازها:

* عکس‌های برگزیده به صورت نمایشگاهی در

معروض دید عموم قرار خواهد گرفت.

* به ازای هر یک از آثاری که به نمایشگاه راه یابد،

مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال به صاحب اثر پرداخت خواهد

شد

تبصره: دانش‌آموزانی که عکس‌هایشان به نمایشگاه

راه می‌یابد، باید گواهی تحصیلی ارائه کنند.

* برای عکاسانی که آثارشان به نمایشگاه راه یابد،

گواهی شرکت در نمایشگاه صادر می‌شود.

* جوایز:

* نفر اول: تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و

۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه نقدی

* نفر دوم: لوح تقدیر و ۱۴۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه

نقدی

* نفر سوم: لوح تقدیر و ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه

نقدی

* جایزه موضوع گرایش آموزش هنر در مدارس

نفر اول: ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

نفر دوم: ۵۰۰۰۰۰۰ ریال

مقررات:

۱. شرکت همه عکاسان در این جشنواره، آزاد است.

۲. هر عکاس می‌تواند حداکثر ۷ عکس در هر

گرایش ارسال کند.

۳. همه عکس‌ها باید به صورت چاپ دیجیتال یا

آنالوگ باشد. پرینت رنگی با کیفیت مطلوب نیز

پذیرفته می‌شود.

همه عکس‌ها، اعم از دیجیتال و آنالوگ باید همراه

cd محتوای عکس‌های ارسالی با فرمت tiff یا

jpeg و با dpi حداقل ۳۰۰ ارسالی شود.

۱. ابعاد و اندازه عکس‌های ارسالی باید حداقل

با عرض ۲۰ سانتی‌متر و طول آن حداکثر ۴۵

سانتی‌متر باشد.

۲. عکس‌ها نباید قاب یا پاسپورتو باشد.

۳. ارسال اثر توسط عکاسان به منزله قبول مالکیت

اثر و اصالت آن تلقی می‌شود و هیچ‌گونه مسئولیتی

به عهده دبیرخانه نخواهد بود.

۴. به آثاری که پس از مهلت مقرر به دبیرخانه

جشنواره ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵. آثاری که به نمایشگاه راه نیابد، حداکثر ۲ ماه پس

از برگزاری نمایشگاه، عودت داده می‌شوند.

۶. دبیرخانه، ضمن نهایت کوشش برای حفظ آثار،

هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آسیب‌های ناشی از

ارسال نامطلوب یا مشکلات پستی نخواهد داشت.

۷. هر عکاس باید برگه ارسال اثر را تکمیل نماید و

پشت هر عکس بچسباند.

۸. ارسال عکس برای این جشنواره، به منزله قبول

شرایط و مقررات آن است.

۹. تصمیم‌گیری درباره مسائل پیش‌بینی نشده، به

عهده برگزارکننده است.

۱۰. از عکس‌های راه یافته به جشنواره، در نشریات

دفتر استفاده خواهد شد.

برای دریافت برگه ارسال اثر به سایت مجلات

رشد مراجعه کنید.

برگه ارسال اثر به هفتمین دوره جشنواره عکس رشد

نامه و نامه خانوادگی:

استان:

نشانی دقیق پستی:

تعداد اثر:

آموزش و پرورش:

کار و جهاد اقتصادی:

گرایش دانش‌آموزی:

گرایش آموزش هنر در مدارس:

شهر:

نشانی دبیرخانه: تهران صلیوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۳۳۱

دبیرخانه جشنواره عکس رشد

www.roshdmag.ir

تلفن: ۸۸۴۹۳۳۲۱